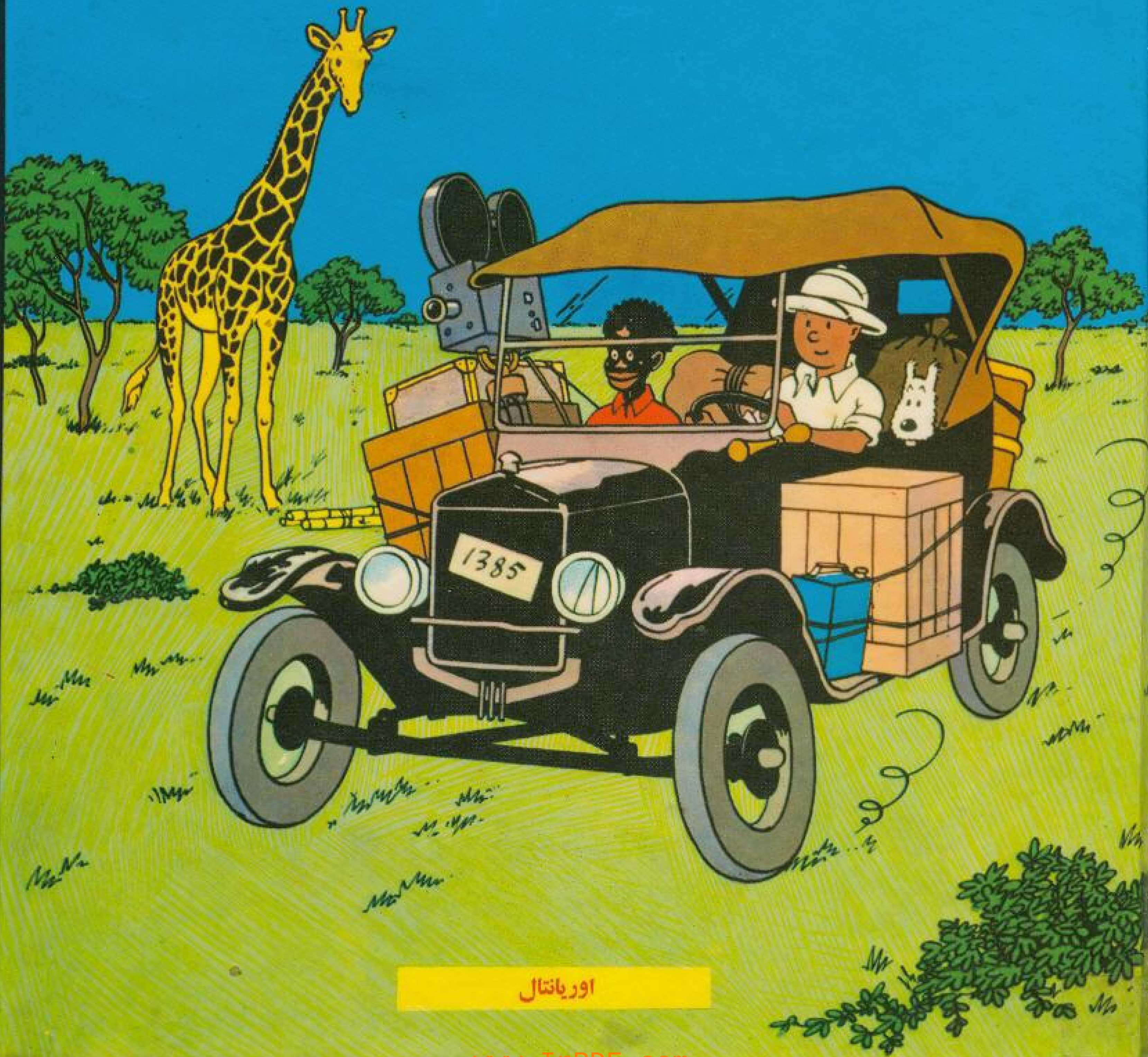
هرژه

ماجراهای تن تن و میلو

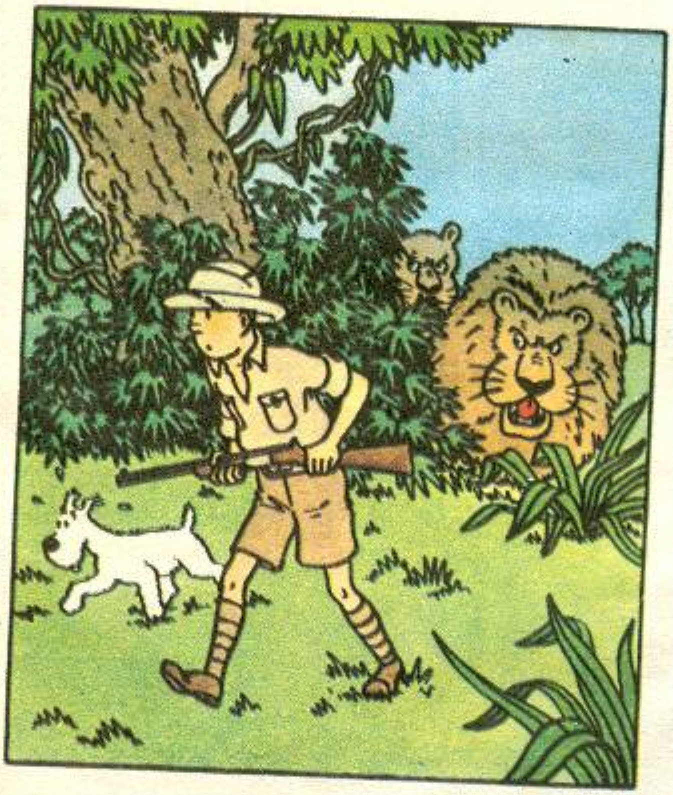
تن تن در کُنگو



اوریانتال

داستانی از ماجراهای تن‌تن و میلو

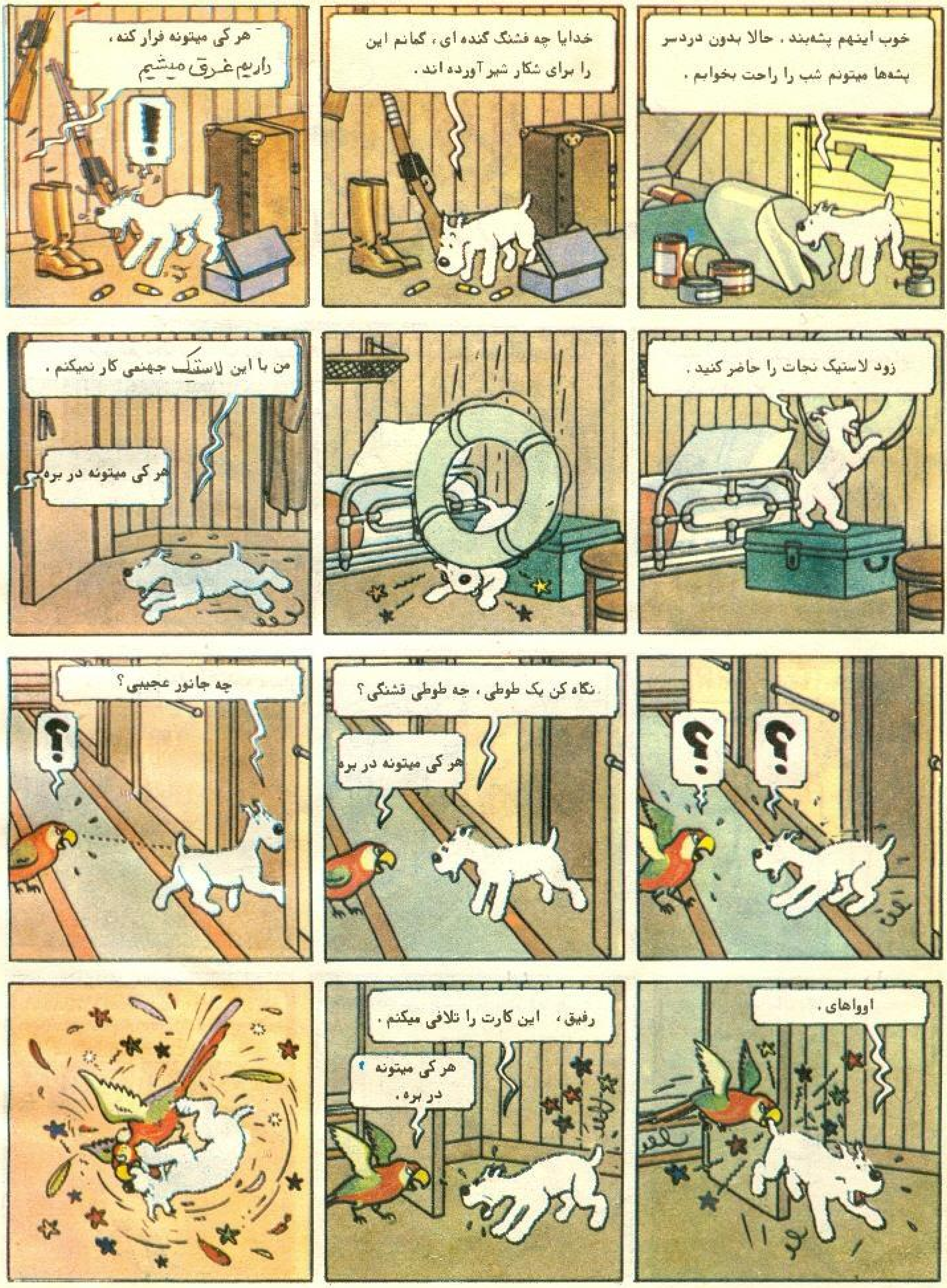
تن‌تن در کُنگو



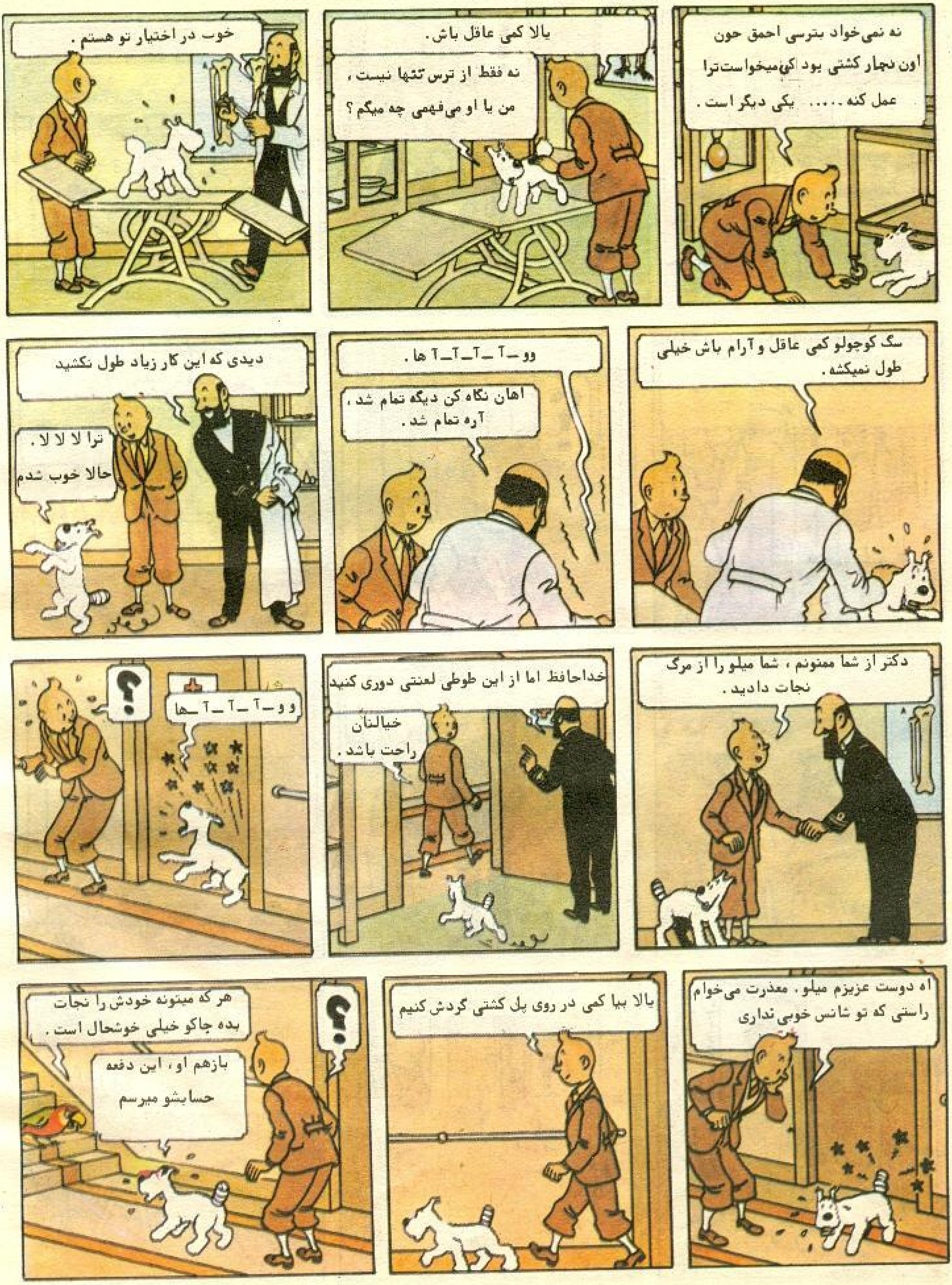
اوریانتال

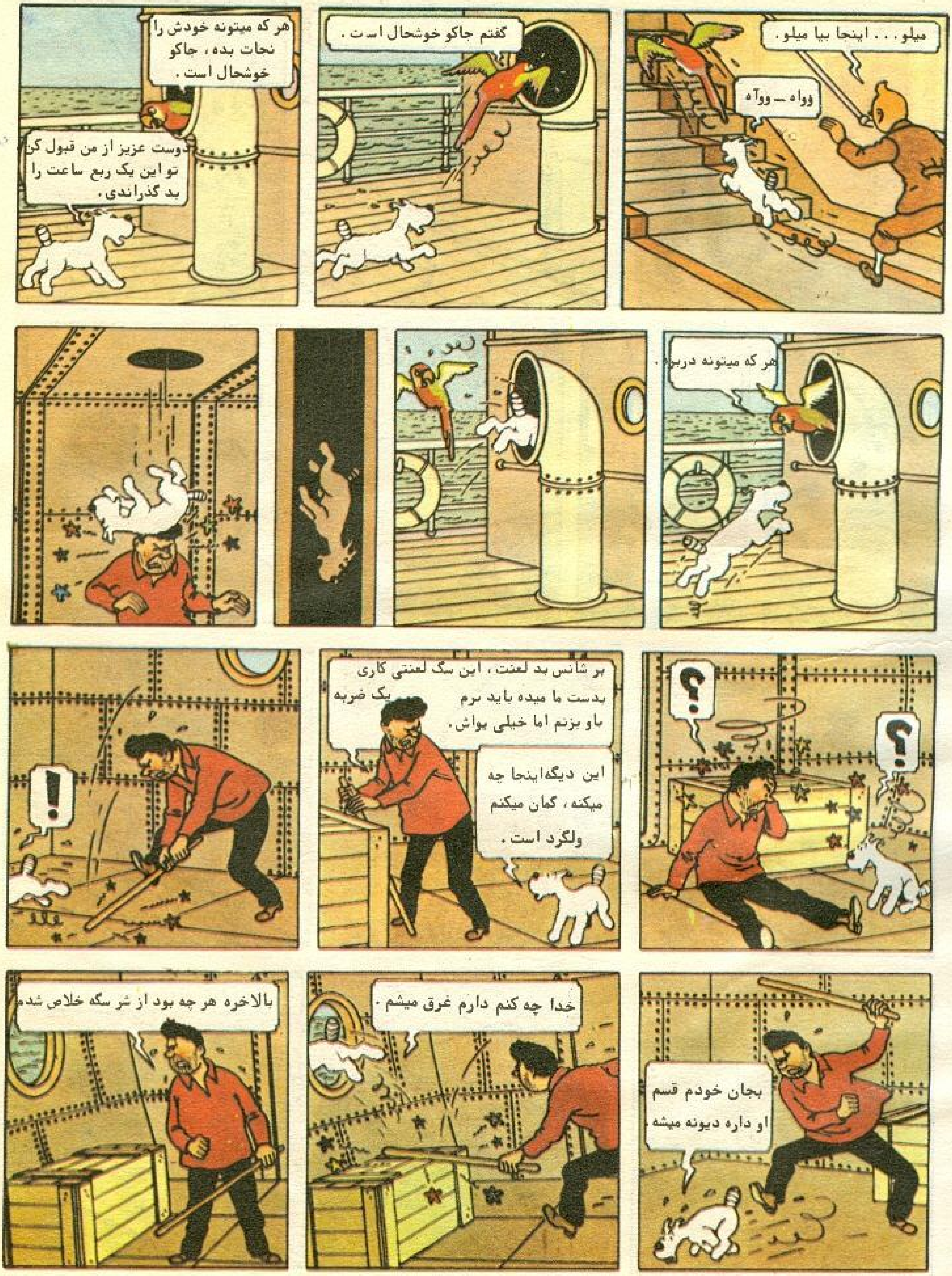
تن تن در کنگو

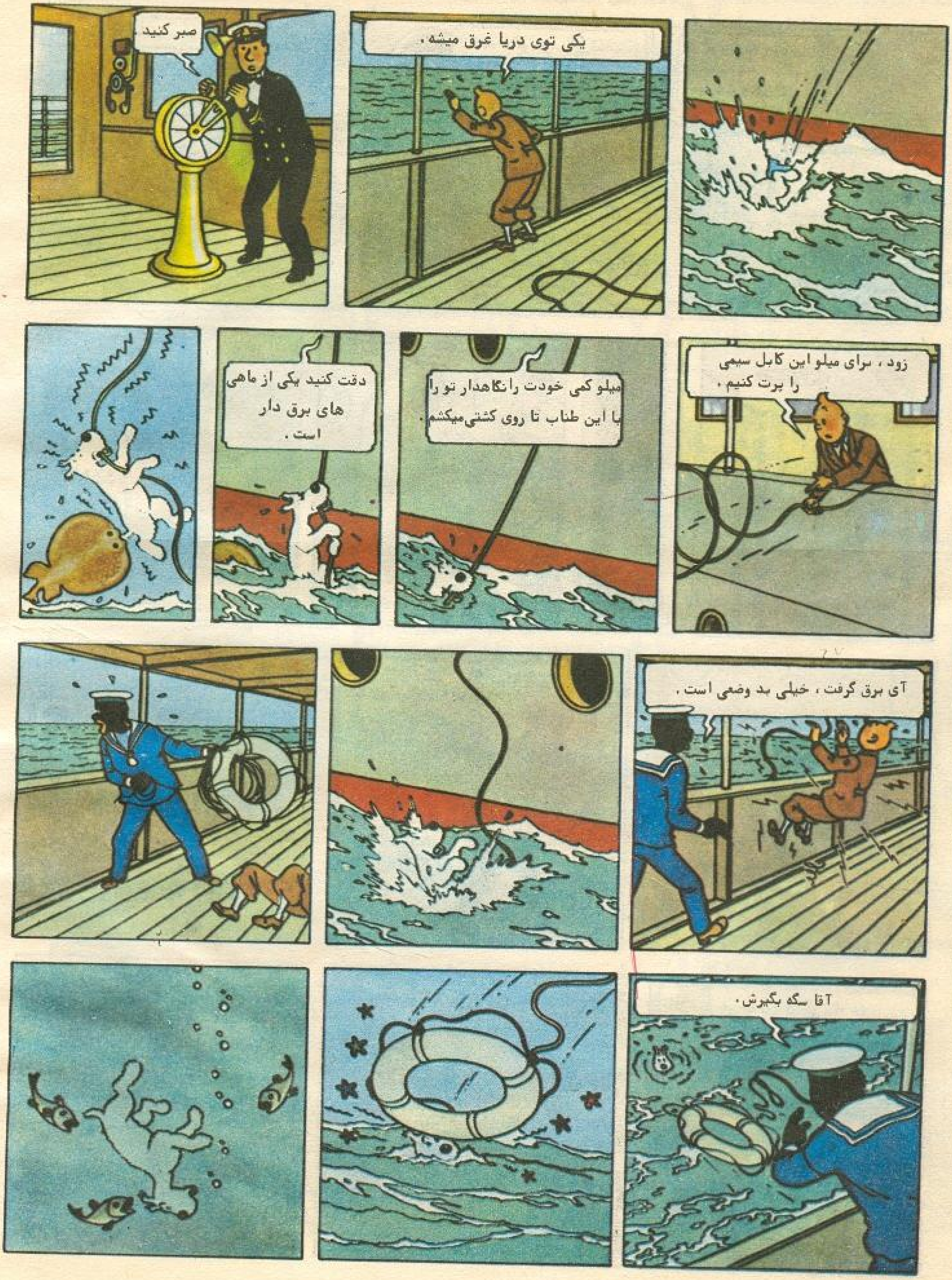

تن تن عزیز سفر بخیر، خدا کنه بتو خوش بگذره.
مثل اینکه خبرنگار جوان به افریقا سفر میکنه؟
درسته از زندگی یکنواخت خسته شده ام میخوام برای شکار شیر بـه افریقا سفر کنم.
اواه ـ اواه.
خداحافظ بامید دیدار
چند ساعت بعد.
آقا اینجا اطاق شما است.
خیلی خوب متشکرم.
بر شیطان لعنت یک عنکبوت، من از این چیزها خوشم نمیاد، عنکبوت صبح غم میاره.
عنکبوته رفته توی چمدان به بینم کجا قایم شده؟ حیوان کثیف.
بدبختی هفت سال بکنار وقتی تن تن بفهمه چه حالی پیدا میکنه؟

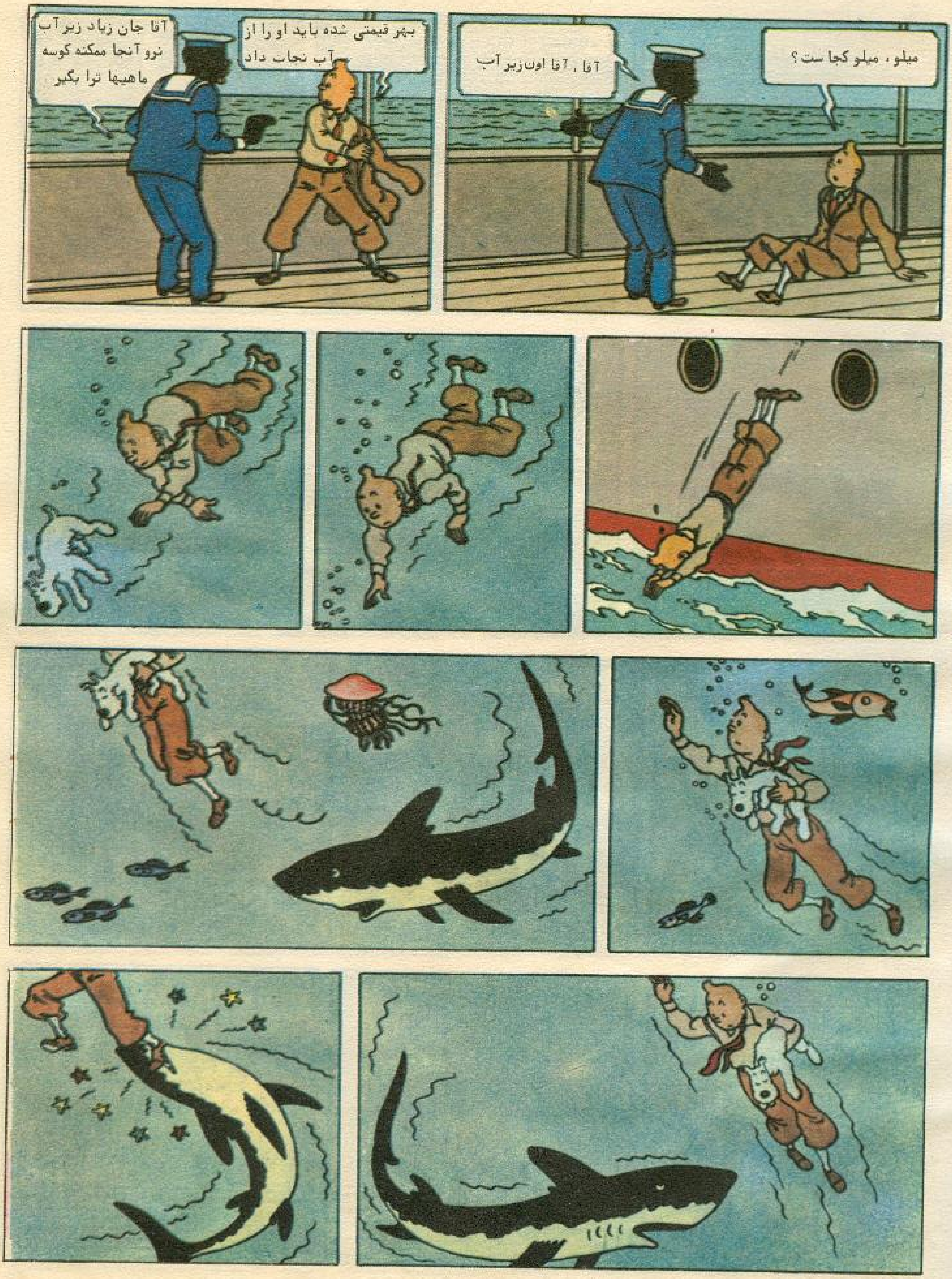

خوب اینهم پشه‌بند ، حالا بدون دردسر پشه‌ها میتونم شب را راحت بخوابم .
خدایا چه فشنگ گنده ای ، گمانم این را برای شکار شیر آورده اند .
هر کی میتونه فرار کنه ، داریم غرق میشیم
زود لاستیک نجات را حاضر کنید .
من با این لاستیک جهنمی کار نمیکنم .
هر کی میتونه در بره
نگاه کن یک طوطی ، چه طوطی قشنگی ؟
هر کی میتونه در بره
چه جانور عجیبی ؟
اوواهای .
رفیق ، این کارت را تلافی میکنم .
هر کی میتونه در بره .


در کابین من چه خبره؟
!
ای میلوی بدجنس، میترسم بمرض پیستاگو گرفتار بشی؟
جاکو، از این چیزها نمیترسه
این حیوانک که رفت تو خیال میکنی به بیماری جی‌جی گور مبتلا بشم؟
فردا خواهیم دید چه میشود.
روز بعد.
؟
دوست عزیزم میلو مثل اینکه حال خوبی نداری زود خودت را بدکتر کشتی برسان.
خب مثل ... در این مسافرت بد نمیگذره.
آقای دکتر یک طوطی او را نوک زده گمان نمی‌برید که مبتلا به مرض پسیتاکوز شده؟
ممکن است، باید معاینه اش کنم.
هوم حالا می‌فهمم. اما زیاد مهم نیست بایستی یک نیشتر بزنم.
میلو یالا کمی جرات داشته باش، نترس. بیش از یک دقیقه طول نمیکشه.
خیالت راحت باشه، از این چیزها زیاد دیده ام
خوب میلو بگو چه‌ته؟
؟
این یکی را نمی‌خوام مردن راحت تره.
؟


نه نمی‌خواد بترسی احمق جون اون نجار کشتی بود که میخواست ترا عمل کنه ..... یکی دیگر است .
یالا کمی عاقل باش .
نه فقط از ترس تنها نیست ، من یا او می‌فهمی چه میگم ؟
خوب در اختیار تو هستم .
سگ کوچولو کمی عاقل و آرام باش خیلی طول نمیکشه .
وو ــ آ ــ آ ــ آ ــ آ ها .
اهان نگاه کن دیگه تمام شد . آره تمام شد .
دیدی که این کار زیاد طول نکشید
ترا لا لا لا . حالا خوب شدم
دکتر از شما ممنونم ، شما میلو را از مرگ نجات دادید .
خداحافظ اما از این طوطی لعنتی دوری کنید
خیالتان راحت باشد .
؟
و و ــ آ ــ آ ــ آ ــ ها
اه دوست عزیزم میلو ، معذرت می‌خوام راستی که تو شانس خوبی نداری
یالا بیا کمی در روی پل کشتی گردش کنیم
؟
هر که میتونه خودش را نجات بده جاکو خیلی خوشحال است .
بازهم او ، این دفعه حسابشو میرسم

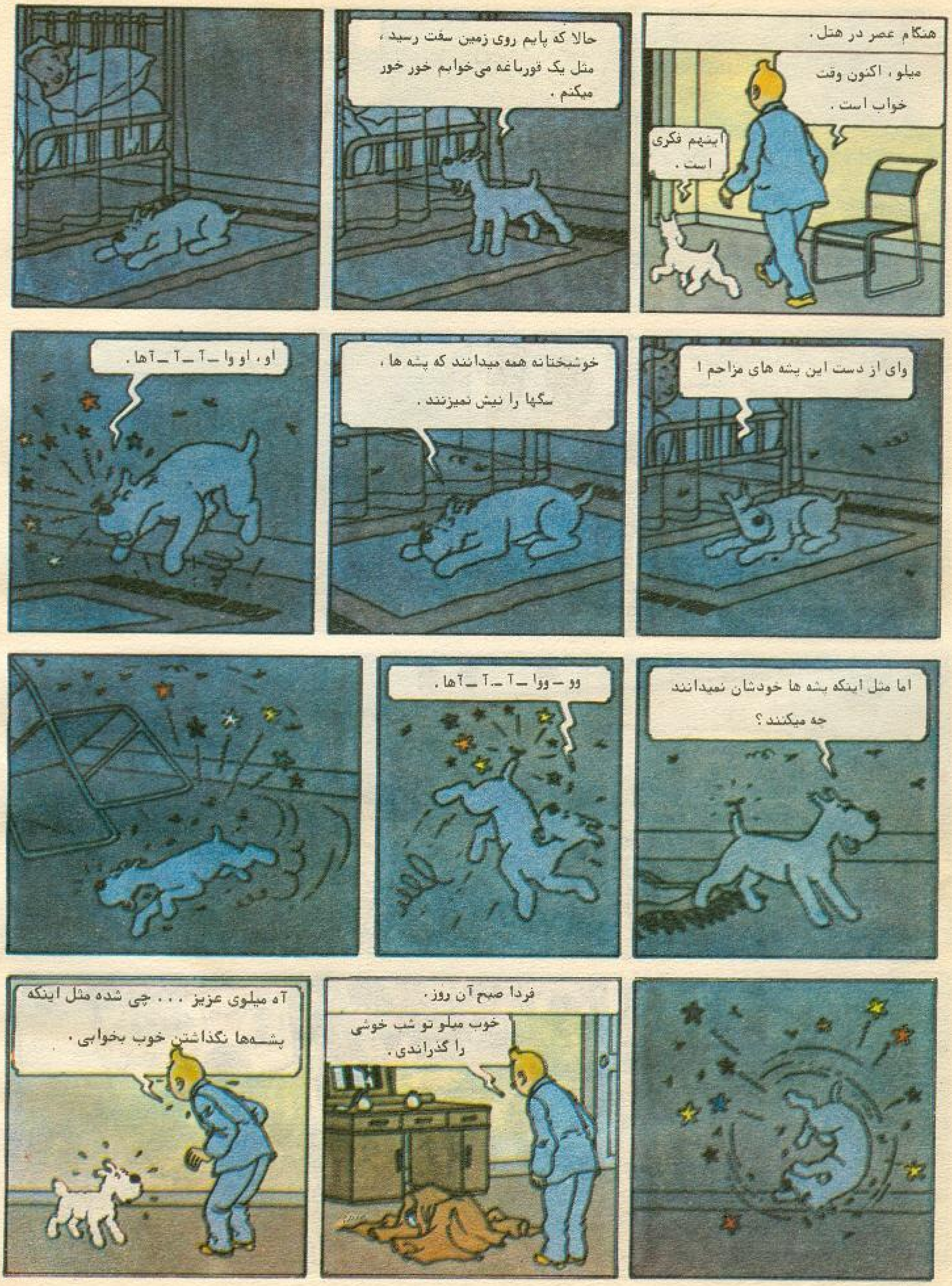

میلو . . . اینجا بیا میلو .
وواه ــ ووآه
گفتم جاکو خوشحال است .
هر که میتونه خودش را نجات بده ، جاکو خوشحال است .
دوست عزیز از من قبول کن تو این یک ربع ساعت را بد گذراندی .
هر که میتونه دربره .
بر شانس بد لعنت ، این سگ لعنتی کاری بدست ما میده باید برم یک ضربه باو بزنم اما خیلی یواش .
این دیگه‌اینجا چه میکنه ، گمان میکنم ولگرد است .
بجان خودم قسم او داره دیونه میشه
خدا چه کنم دارم غرق میشم .
بالاخره هر چه بود از شر سگه خلاص شدم


یکی توی دریا غرق میشه .
صبر کنید
زود ، برای میلو این کابل سیمی را برت کنیم .
میلو کمی خودت رانگاهدار تو را با این طناب تا روی کشتی میکشم .
دقت کنید یکی از ماهی های برق دار است .
آی برق گرفت ، خیلی بد وضعی است .
آقا سگه بگیرش .


میلو ، میلو کجا ست ؟
آقا ، آقا اون زیر آب
بهر قیمتی شده باید او را از آب نجات داد
آقا جان زیاد زیر آب نرو آنجا ممکنه کوسه ماهیها ترا بگیر

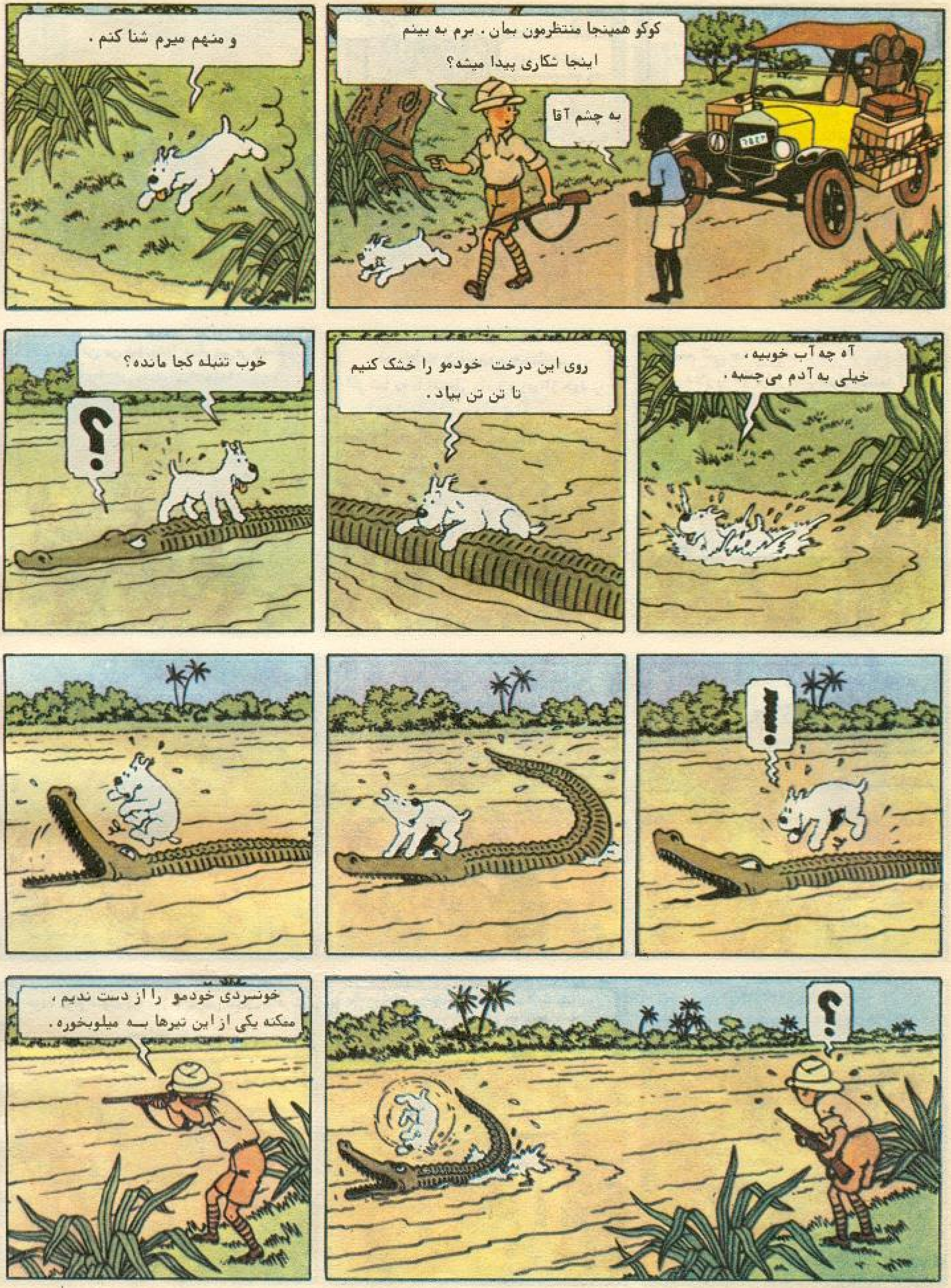

?
اوف ، راستی که فرصت را نباید از دست داد .
مواظب باش دارد بالا میآید .
هنوز قلبش ضربان داره و نمرده . نه دکتر لااقل جواب بدید
خفه شو بگذار صدائی بشنوم .
چه خوب شد او زنده است .
چه شانس بزرگی .
بایستی نفس مصنوعی باو بدیم و تا چند دقیقه دیگر خواهید دید بهوش خواهد آمد .
بسیار خوب دوست عزیزم میلو تو خیلی در آب بودی .
حالا دیگه لباسهایم را عوض میکنم بعد از آن غذای خوشمزه ای میخوریم . و بعد استراحت میکنیم


چندین روز سپری شد .
میلو افریقائی که می‌خواستی اونه
این کشتی بزرگ را می‌بینی مثل یک کوه برف میماند ، تن تن و میلو در کشتی نشسته اند .
زنده باد تن تن
زنده باد میلو .
زنده باد تن تن
زنده باد میلو و تن تن .
خوش آمدید تن تن و میلو
دوست من کمی حوصله کن ، هر که آخر بخنده شانس را برده است .

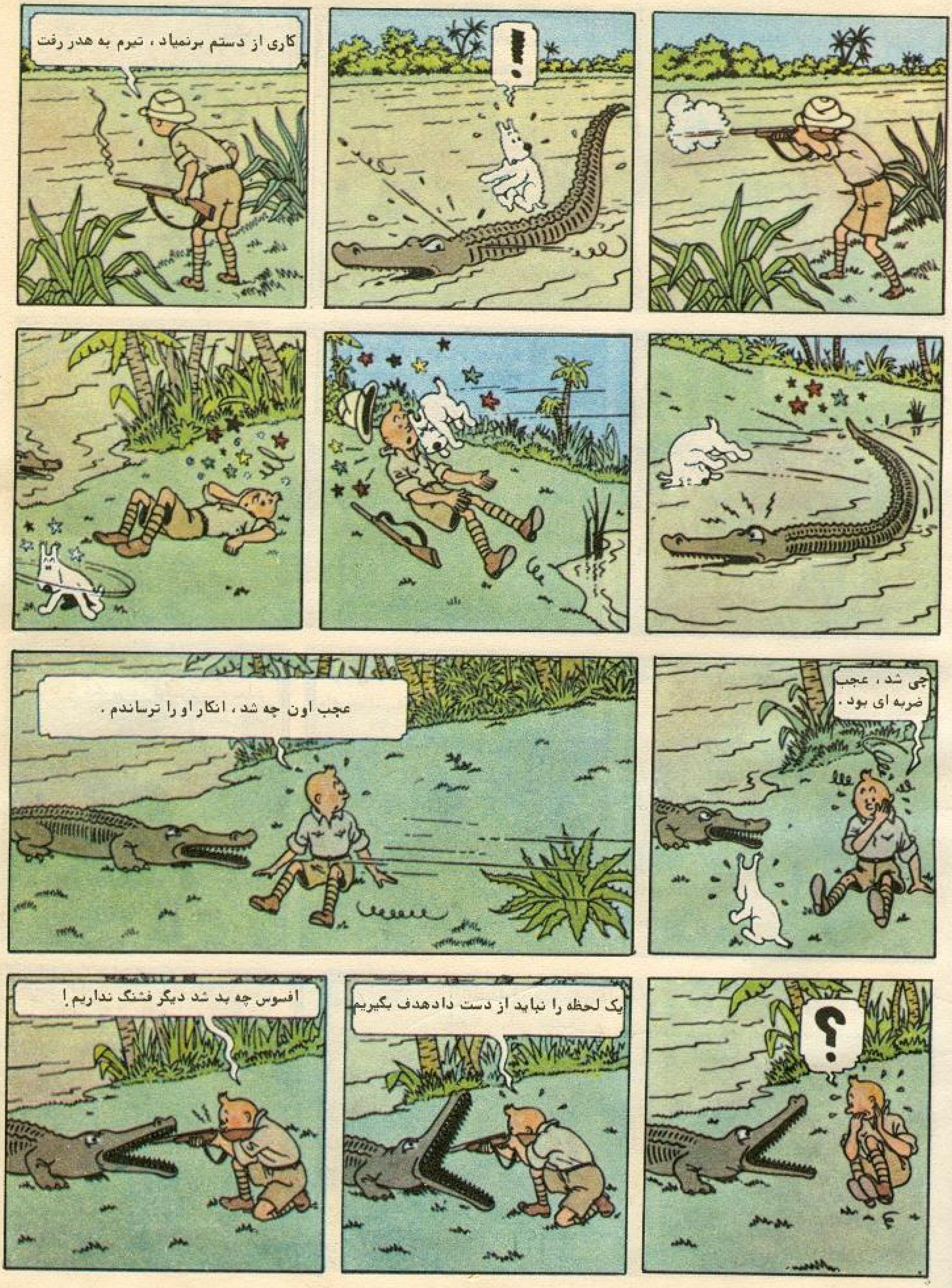


هنگام عصر در هتل.
میلو، اکنون وقت خواب است.
اینهم فکری است.
حالا که پایم روی زمین سفت رسید، مثل یک قورباغه می‌خوابم خور خور میکنم.
وای از دست این پشه های مزاحم!
خوشبختانه همه میدانند که پشه ها، سگها را نیش نمیزنند.
او، او وا ـ آ ـ آ ـ آها.
اما مثل اینکه پشه ها خودشان نمیدانند چه میکنند؟
وو ـ ووا ـ آ ـ آ ـ آها.
فردا صبح آن روز.
خوب میلو تو شب خوشی را گذراندی.
آه میلوی عزیز ... چی شده مثل اینکه پشـه‌ها نگذاشتن خوب بخوابی.


داخل شوید .
توک _ توک _ توک . توک
آقای تن تن .
خودم هستم .
آقای تن تن من از طرف روزنامه نیویورک اوی نینگ با شما برای تهیه یک رپرتاژ دربارهٔ آفریقا یک قرارداد ۵۰۰۰ دلاری بــا شما امضاء کنم . اینهـم ۱۰۰۰ دلار بیعانه ممکنه امضاء کنید
آقای تن تن من نمایندهٔ دیلی‌بی‌بر هستم و به شما هزار لیره‌استرلینگ پرداخت میکنم رپرتاژهای افریقا را در اختیار ما بگذارید موافقید ؟
به بخشید .
من نمایندهٔ لیسبون هستم ، اگر شما به ما افتخار داده و رپرتاژ خود را در اختیار ما قرار بدهید مبلغ ۵۰ر۰۰۰ اسکورروس به شما تقدیم میکنم .
به بینم کمی جدی حرف بزنیم اگر مبلغ ده هزار دلار را دو برابر کنم قبول میکنید ؟
نظر تو در مورد این دو پیشنهاد چیست ؟
ما خیلی مهم شده ایم ، نه ؟
آقایان خیلی تشکر میکنم پیشنهاد شما خیلی عالی است . اما نمی‌توانم آنرا بپذیرم ، من در حال حاضر با روزنامه های دیگر قرارداد بسته ام و باید رپرتاژهای خود را به آنها بدهم .
و اکنون در فکر مسافرت خودمان باشیم ، چه لازم داریم ؟ اول یک راهنما و یک ماشین .
بسیار خوب اما بسته بندی را فراموش نکنیم
خوب کوکو قبول کردی؟ باید در تمام مسافرت همراهم باشی .
روی چشم .
یک ماشین برای شما لازم است با خیال راحت میتوانید از آن استفاده کنید .
صبح روز بعد .

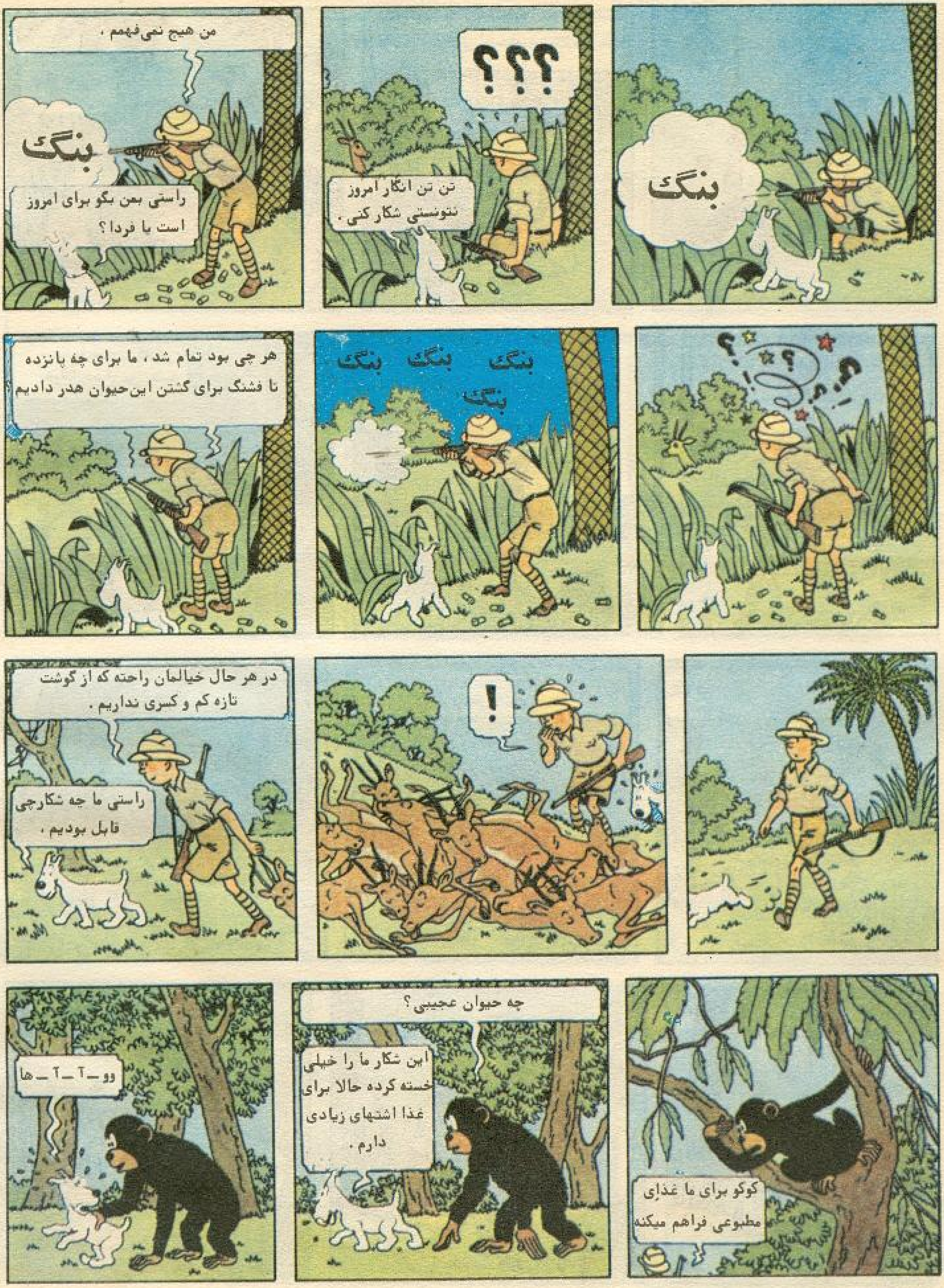


کوکو همینجا منتظرمون بمان . برم به بینم اینجا شکاری پیدا میشه؟
به چشم آقا
و منهم میرم شنا کنم .
آه چه آب خوبیه ، خیلی به آدم می‌چسبه .
روی این درخت خودمو را خشک کنیم تا تن تن بیاد .
خوب تنبله کجا مانده؟
؟
!!!
خونسردی خودمو را از دست ندیم ، ممکنه یکی از این تیرها به میلوبخوره .
؟


!
کاری از دستم برنمیاد، تیرم به هدر رفت
چی شد، عجب ضربه ای بود.
عجب اون چه شد، انکار او را ترساندم.
؟
یک لحظه را نباید از دست دادهدف بگیریم
افسوس چه بد شد دیگر فشنگ نداریم!


خوب حالا که دهنش را باز میکنه ، فرصت را از دست ندیم .
؟
نگاه کن حالا باید بدنبال میلو بریم ،میلو کجائی ؟
آقا تو چقدر ترسو هستی !
من ترسوام ؟ می‌خواستم برم کمک بیارم .
همینجا بود که اتومبیلم را گذاشتم کدام جهنم دره ای رفته؟
باور کردنی نیست .
کوکو . . . کوکو . . . کجائی؟
کدام سوراخی رفته ؟
آقای تن تن بنده میتونم بیایم ؟
؟
؟
هی ، هی یک آقای سفید پوستی آمد که سیاها را کتک بزنه ، کوکو ترسید بعدش سفید پوسته با ماشینش رفت .
کوکو تو نباید هیچوقت بترسی .
پس یکی از سفید پوستها ماشین ما را دزدیده ، وای بحالش اگر او را گیر آوردم .
خدایا چقدر هوا گرمه اگر ماشین پنچر نشه نمیشه گیرش آورد ! وگرنه ممکن نیست باو برسیم .
منهم گرممه .
ماشین ما آنجا است ، با احتیاط خودمان را برسانیم ، کوکو تو اینجا منتظر ما باش.
نمیدانم این قیافه را جائی دیده ام؟
اتوموبیل لعنتی ، تکون دادن او کار آسانی نیست .
اوه نگاه کن او مسلحه
اگه با این نارگیل بتونیم کاری بکنیم . بریم شاید بتونیم گیجش‌کنیم .

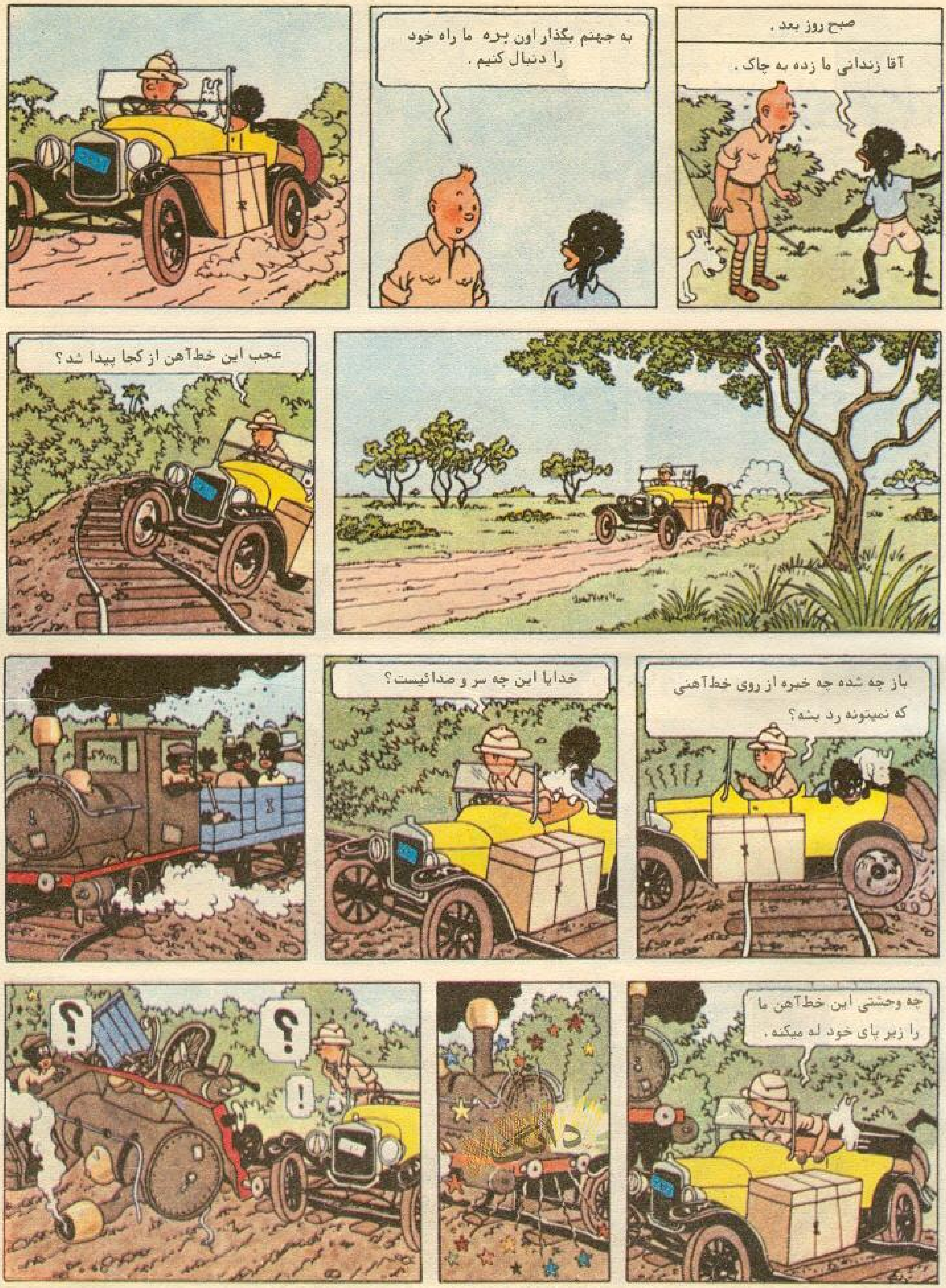

بهش نخورد .
شناختمش او یکی از مسافرین قاچاق است
آخ من مردم
میمونها دیدند که من نارگیل را خواباندم از من تقلید کردند خوشبختانه تیراندازی شان از من بهتر بود .
مرد که را دست یا شا ببندیم و او را به اولین ست پلیس تحویل بدهیم .
او کاری نمیتونه بکنه .
کوکو حالا تو چادر را بزن آتش روشن کن . منهم بفکر شام میافتم .
دارد میاید خودمان را اینجا پنهان کنیم و منتظر باشیم .
نگاه کن اینهم غذای ماست دارند میارند .
؟
خوب دیگه
بنگ


من هیچ نمی‌فهمم .
بنگ
راستی بمن بگو برای امروز است یا فردا ؟
???
تن تن انگار امروز نتونستی شکار کنی .
بنگ
هر چی بود تمام شد ، ما برای چه پانزده تا فشنگ برای کشتن این حیوان هدر دادیم
بنگ بنگ بنگ بنگ
در هر حال خیالمان راحته که از گوشت تازه کم و کسری نداریم .
راستی ما چه شکارچی قابل بودیم .
!
وو ــ آ ــ آ ــ ها
چه حیوان عجیبی ؟
این شکار ما را خیلی خسته کرده حالا برای غذا اشتهای زیادی دارم .
کوکو برای ما غذای مطبوعی فراهم میکنه


چه بد شد نمیتونم تیر خالی کنم ممکنه میلو زخمی بشه .
وو ـ آ ـ آ ـ ها ـ ها
وو ـ آ ـ ها
اگه دنبالش کنم فرار میکنه دیگه دسترسی باو مشکله باید در اینجا حیله‌ای بکار ببرم
تن تن ـ تن تن ـ مرا ول نکن .
فکری بکله ام زد قبل از همه باید میمون دیگری را پیدا کرد .
اینجا یک میمون زود آتش کن .
خوب شد حالا میتونیم پوستش را بکنیم .
در هر حال این لباس را به تن من اندازه نگرفتندولی به جهنم بدنیست .
با این لباس میتونم بدون اینکه مرا بشناسند باو نزدیک بشم .
شانس آوردم او هنوز مرا ندیده .
؟
؟
تو کلاه قشنگی داری در عوض این حیوان این کلاه را بمن بده .
نترس میلو هستم !
ممکن نیست .



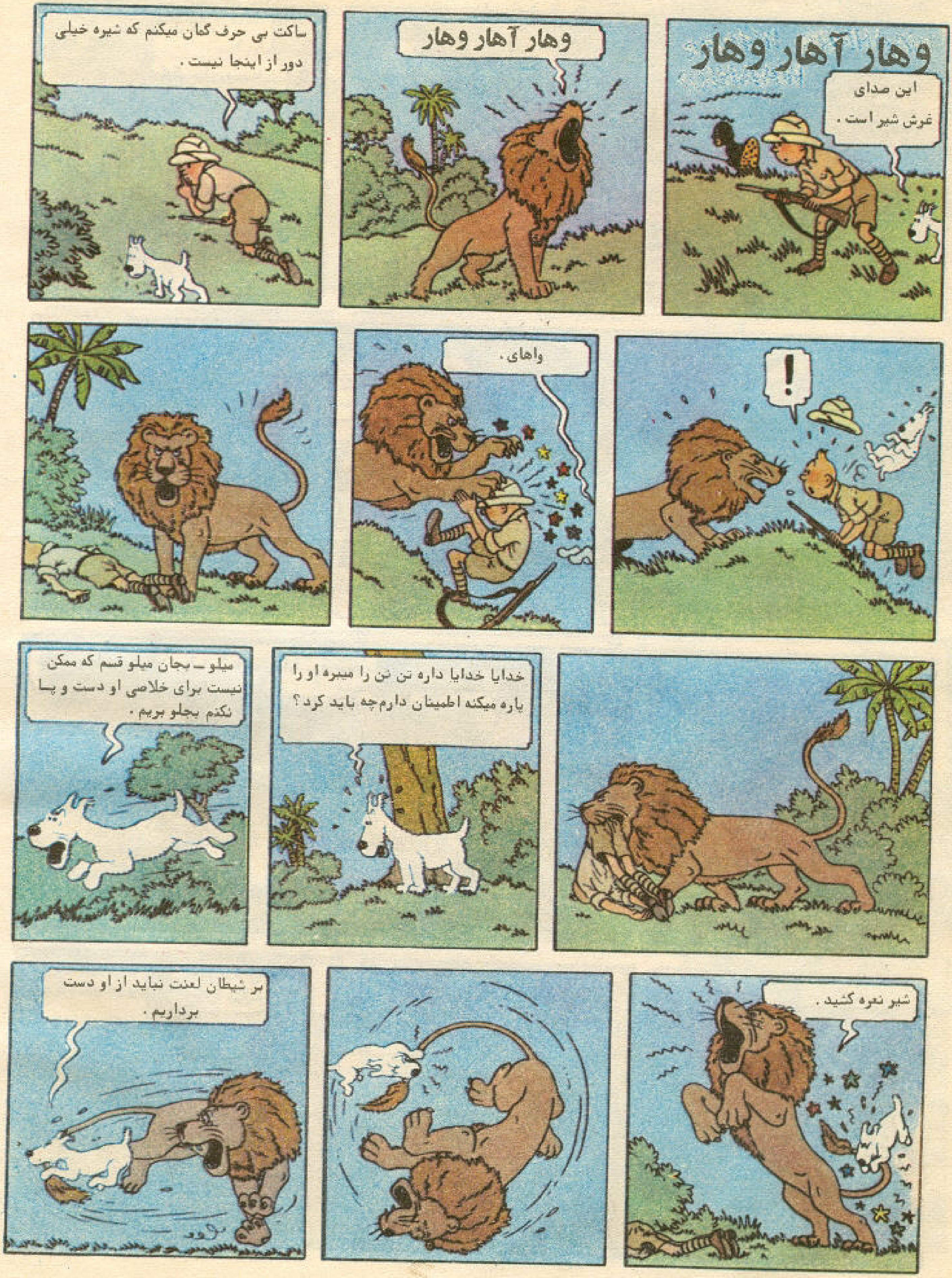
خب دیگه از ما چه میخواد.
؟
تو تفنگ خوبی داری اونو بمن بده تا کلاه ترا پس بدم.
هرگز ممکن نیست برای اینکه این کلاه ماله خودمه.
؟
تفنگ تو بده تفنگ را لازم دارم.
زود تسلیم بشو وگرنه میدونی کاری ازت ساخته نیست.
بس کن دیگه حوصله ام سر رفته.
عالی!
اگر بیشتر سربسرم بزاری، عصبانی میشم. فهمیدی؟
!
فکر میکنم که بتونیم براحتی شامون را بخوریم.
منهم امیدوارم. تمام این هیجانها را از بین برد.
سلام کوکو.
چه بد شد این میمون که حرف زد حتما " تن تن را میخوره.
آخر چطور ممکنه آدم از یک میمون کوچک بترسه؟
یا الله کوکو اینقدر ترسو نباش این منم که لباس میمون پوشیده ام. زود برایمان غذائی درست کن.
پس تو میمون نیستی حتما "
زندانی ما حالش چطوره کوکو؟
خیلی خوبه هنوز تو اوتوبیله.


صبح روز بعد .
آقا زندانی ما زده به چاک .
به جهنم بگذار اون بره ما راه خود را دنبال کنیم .
عجب این خط‌آهن از کجا پیدا شد؟
باز چه شده چه خیره از روی خط‌آهنی که نمیتونه رد بشه؟
خدایا این چه سر و صدائیست؟
چه وحشتی این خط‌آهن ما را زیر پای خود له میکنه .
؟
؟
!


نگاه کن اینجا این سفید پوست را ببین .
این سیاه کوچولو نگاه کن
خیلی متاسفم باور کنید .
ساکت من ماشین دودی کهنه
تورو تعمیر میکنم .
این لوکومیتو خیلی قشنگه .
مشغول کار بشیم .
اما من خیلی
خسته شده ام .
زود مشغول کار بشید خجالت نمیکشید
که یک سگ بجای شما کار کنه ؟
ای تنبلها زودتر
شروع کنید .
بالاخره مشغول کار میشید یا نه ؟
اما من . . . دست و پام کثیف میشه
اون آقا سفید پوسته خیلی حیله‌گره .
خب حاضر به حرکت
بشید ــ سوار بشید .
آقا موتور کار
نمیکنه همه
جا شکسته .
یک دقیقه صبر
کنید همه چیز
درست میشه .



اول جاده را باز کنیم .
کوکو سیاه پوستها دارند عصبانی میشند
راه بیفتید .
رئیس ایستگاه .
بدون اجازه عبور ممنوع است
تو از اینجا نباید رفت . باید با ما پیش بابا رم بریم .
سلام پادشاه بابا رم
سلام بر شما مردمان نحیب بیگانه .
تو سفید پوست خوبی نیستی تو باید اینجا بعانی تو باید با بابارم آقا شیر را کار کنی .
عالیجناب شما خیلی خوب هستی .
فردا صبح .

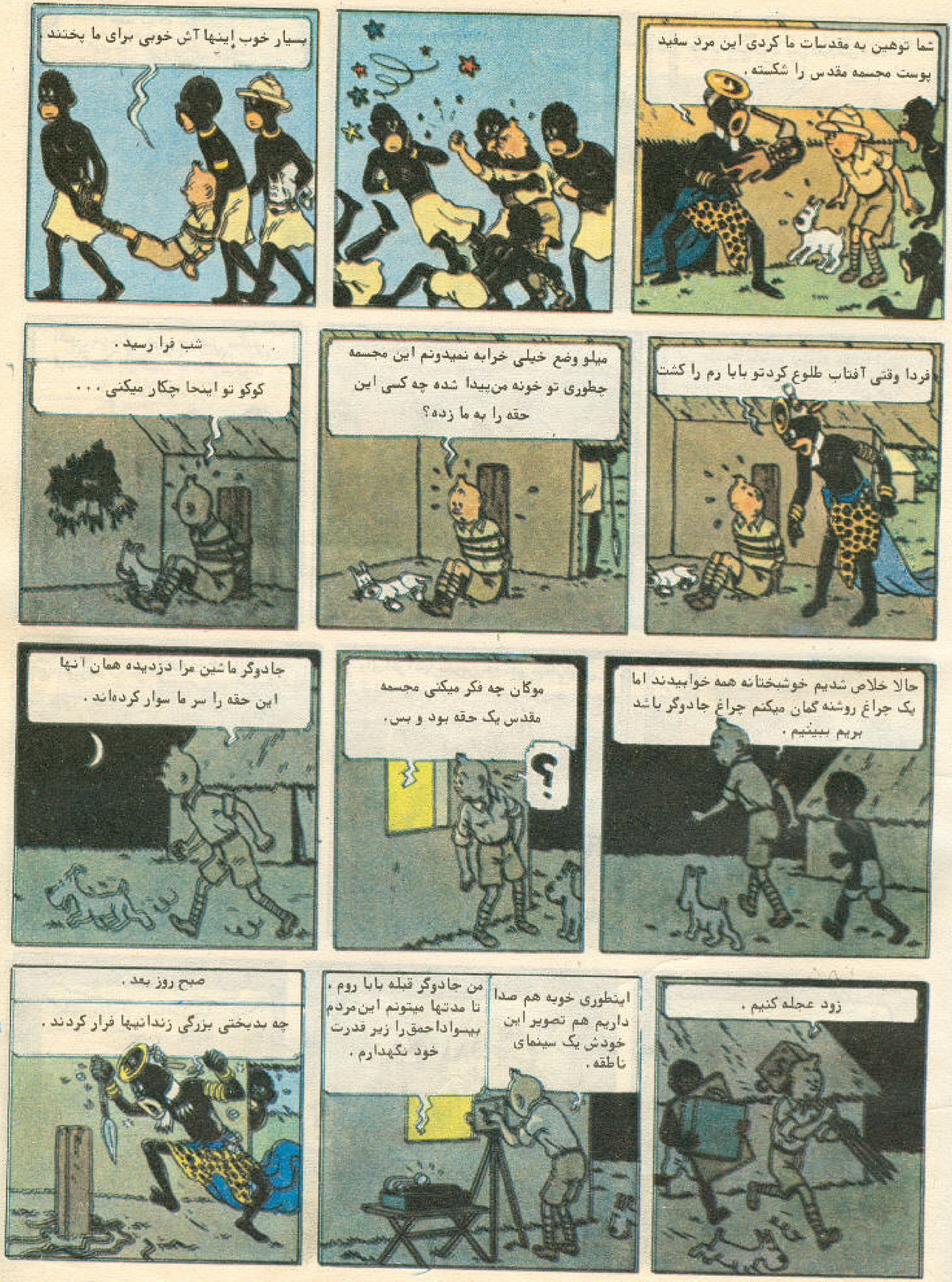


وهار آهار وهار
این صدای غرش شیر است .
وهار آهار وهار
ساکت بی حرف گمان میکنم که شیره خیلی دور از اینجا نیست .
!
واهای .
خدایا خدایا داره تن تن را میبره او را پاره میکنه اطمینان دارم چه باید کرد؟
میلو ــ بجان میلو قسم که ممکن نیست برای خلاصی او دست و پا نکنم بجلو بریم .
شیر نعره کشید .
بر شیطان لعنت نباید از او دست برداریم .


نعره بلند شیر.
بلی من هستم.
خدایا چه واقع شد،
پس میلو کجاست؟
میلو شجاع چطور جرئت کردی باین حیوان وحشی حمله کنی بدون تو او ما را پاره کرده بود.
نترسید این شیر انقدرها هم درنده نیست.
اکنون بدنبال شکارچیهای دیگر بروم.
بریم اما باید مواظب شیر هم باشیم.
غرش های این شیر دقیقه به دقیقه زیاد میشه.
و هارا را.
آقای سفید پوست تو، تونستی ما را نجات بدی. عالیجناب شیر خیلی خشمگین شد.
چطور؟
!؟
باز تو هی دست از این شیطنت نمیکشی؟



دست بردارید اگر نه باقی دمت را هم خواهم جید .
شاید بتونیم این شیر را اهلی کنیم .
این مرد سفید پوست خیلی قدرت پیدا کرده چندی بعد ممکنه سیاه پوستهای دیگه از من اطاعت نکنن باید هر چه زودتر کار را تمام کنم .
ای جادوگر گوش کن این مرد سفید پوست دشمن منه اگر بخواهی میتونیم خودمان را از دست او خلاص کنیم .
حالا میگی چه کاری میتونم بکنیم ؟
فردا صبح ،
ای جادوگر چه بدبختی برای ما فراهم کردی اما او هم غیبش زد .
مجسمه مقدس را تو دزدیدی روح بزرگ بهموکا گفته .
من ؟
این دیگه خیلی عجیبه من چیزی ندزدیده ام .
چرا چرا تو مجسمه مقدس را دزدیده ای .
یارو دیوانه است
بفرمائید مرا بگردید تا بفهمید بی خودی بمن تهمت میزنید .


شما توهین به مقدسات ما کردی این مرد سفید
پوست مجسمه مقدس را شکسته.
بسیار خوب اینها آش خوبی برای ما پختند
فردا وقتی آفتاب طلوع کردتو بابا رم را کشت
میلو وضع خیلی خرابه نمیدونم این مجسمه
چطوری تو خونه من‌پیدا شده چه کسی این
حقه را به ما زده؟
شب فرا رسید.
کوکو تو اینجا چکار میکنی...
حالا خلاص شدیم خوشبختانه همه خوابیدند اما
یک چراغ روشنه گمان میکنم چراغ جادوگر باشد
بریم ببینیم.
موکان چه فکر میکنی مجسمه
مقدس یک حقه بود و بس.
؟
جادوگر ماشین مرا دزدیده همان آنها
این حقه را سر ما سوار کرده‌اند.
زود عجله کنیم.
اینطوری خوبه هم صدا
داریم هم تصویر این
خودش یک سینمای
ناطقه.
من جادوگر قبله بابا روم.
تا مدتها میتونم این‌مردم
بیسوادواحمق‌را زیر قدرت
خود نگهدارم.
صبح روز بعد.
چه بدبختی بزرگی زندانیها فرار کردند.


چند لحظه بعد .
آهای زندانی زندانی خودشه مرگ بر زندانی .
جادوگر آروم باش فریاد نکن .
هیچکس داوطلب نشد
باز کسی هست جلو بیآد پس هیچکس نیست .
هیچکس حاضر نشد .
اکنون دوستان عزیز خواهش میکنم گوشهاتونه باز کنین جادوگر میخواد با شما حرف بزنه .
اینهم جادوگر حالا گوش کنید .
من جادوگر بابارم میتونم مدتها این مردم بیسواد احمق را زیرفرمان خود نگاه دارم .
جادوگر رفته آن تو .
مرد بدجنسی است .
وای اگر آنها بدونن چه قدر مسخره‌شان کردم من بریش مجسمه کثیفشون میخندم .
حرفهام تموم نشده بیآید تو خودتون ببینید
ورود آزاد .
؟


بنظرم میاد که کار بجای بد بکشه.
من از خود پرسید در این کلبه کوچک چه خبره صدای این زوزه ها را میشنوی؟
اون کافره. به مجسمه مقدس توهین میکنه. بکشیدش.
بکشیدش.
تو سفید پوست خوب. و تو کرد قبول که رئیس باربارووم باشی.
به چشم البته
صبح روز بعد.
یا الله صبح با بن زودی بزن بزن.
چه حوصله ای داری؟
دست نگهدار.
مسئله اینه که او کلاه حصیری مرا دزدیده.
نه او ندزدیده.
کدام راست میگن؟
آه شما برای این کلاه حصیری میخواین دعوا کنین صبر کنید تا شمارا آشتی بدم.
مرد سفیده آدم خوبیه و بهر کدام نصف از این کلاه را بده اینجا چه خبره؟
تن تن را به بین که نقش حضرت سلیمان را بازی میکنه.
اینجا چه خبره


شوهر شما چشه
آقا او شد مریض هی هی روح خبیث توی بدنش رفته .
حالا میام به بینم زیاد مهم نیس کمی تب داره این قرص گنه گنــه را بگیر بخورید تا خوب بشید .
؟
خوب حالا کمی بهتر میشه
من دیگه مریض نیست من رفت شکار .
مرد سفید پوست خوب جادوگر بزرگ او را خوب کرد آقا سفید خوب بود ما تاری
بله دیگه کی میتونه ما سیاها را خوب کنه؟
در این مدت .
تا حالا که برد با او بوده اما اگه صبر کنم ضرر نمی‌بینم.
با ما چی میخوان بکنند؟
موگانگا گوش کن چه میگم .
من گوش کن .
فردا صبح .
آیا تو مطمئنی که او رئیس قبیله هاتوو و دشمن باربارومه — بله‌خودشه .
بالا بریم .
!
ماها تورها آدمهای ترسوئی هستند باربارومها با آنها اعلان جنگ میدن ، فرمانده‌ء سفید پوست باربارومـ پیروز میشه
ای ناکسها ما ترسوئیم ؟ خواهیم دید مرگ بر باربـاروم مرگ به رئیس سفید پوست ها مابسلاح اروپائی مجهزیم .


ارتش منهم سلاح اروپائی داره و میتونه جواب باربارومبا را بده.
ماتووهای وحشتناک مملکت ما را غارت کرده اند، و میدانند همه ما را قتل عام کنند.
راستی؟ خیالتان راحت باشه من به جلو میرم. این ماتووهای وحشتناک
تنها میرید؟ چه
ل قرصی دارین
خوب اونا کجا هستند؟ این جنگجوها را نشان بده.
بسیار خوب حرفی ندارم خوبه.
رئیس، اون مرد سفید جادوگر شده و تیر ما باو نمیرسه او از جادوگر ها است.
خیلی عجیبه، من هیچ نمیفهمم
توپخانه سنگین را بیارین اونا را بمباران میکنیم معلوم میشه کدوم
آماده بشید مرد سفید را هدف گرفت ارتفاع چهل و سه متر و پنجاه حالا آتش.
بوم


لعنت بر شیطان توپخانه ما از بین رفت
باروح اجدادم ... این سفید پوست را میکشم.
ای سفید پوست لعنتی
صبر کن آمدم.
اینم مال او.
آخر تن تن راستش را
بگو چه کلکی زدی؟
با بارباروسها آشتی کنید والا وای بر شما
تو جادوگر بزرگی بود
تو باید رئیس قبیله
ماتوو بشی.
خیلی ساده است این مغناطیس
الکتریکی را که پشت درخت پنهان
کرده بودم تمام تیرها را بطرف
خودش جذب کرد حالا فهمیدی؟
ماتووها خیلی شجاعند و مرد سفیدی که تیر بهش
نخورد پادشاه آنها است.
بر شیطان لعنت.
میلو امشب بشکار میریم
باز هم شکار شیر؟
کار دیگری نداری بما بدی؟
نه میلو امشب میریم بشکار یوز پلنگ میریم.
آه خیلی جالب میشه.
خوب . گرچه میخواد غیر از دو گوش شنوا.
چه خبر تازه و خوبی دارم موگانگا امشب
باسفید پوست میره بشکار یوز پلنگ.
؟
جان خودش را میخواد بر سر
شکار یوزپلنگ بگذاره.
تو قبیله انیوتا را شناخت اونا جادوگر قلابی اند
برای سفیدهاوقتی یکی از افراد از او دستوری
گرفت که یکی از روسای سیاه را که با سفیدخوب
است کشت پوست پلنگ میپوشه و ماسک پلنگ
بصورت میزاره ـ ناخنها هم با میله آهنی یک
باتون هم بدست میگیره آنوقت سیاه را کشت
همه جا ، جای پا پلنگ گذاشت . آنوقت چند
تا سیاه را کشت همه فکر میکنند که پلنگ
حقیقی تقصیر کاره من امشب به
انیوتا میشم.


اینم لباس من . امشب وقتی سفید در شکارگاه آنجا بریم . توفهمیدی؟
خیلی عالی میشه !
وقتی شب فرا رسید .
شب خوبی برای شکار .
یوز پلنگ آنقدر ها وحشی نیست مثل یک گربه بزرگ میماند
یوزپلنگ شبها برای آب خوردن اینجامیاد .
پس فقط باید منتظرش باشیم .
خیلی طول میکشه؟
اواه چه خوابم گرفته
کمک . . . کمک . . .
؟
بدادم برسید . . . کمک . . .
چه مار گنده ای؟ خدایا این سیاه بیچاره را خلاص کنیم .
بوم
چه لباس عجیب و غریبی؟
بر شیطان لعنت صدای جادوگر خودمانه .
تو نباید مرا کشت آقای سفید بمن رحم تو نباید مرا کشت .
حالا که نشد لااقل حریف این مار میشم


رحم کن آقای سفید رحم ، من خواست ترا کشت . اما این ماروحشی دور من بپیچید اگر تو نبودی او مرا کشت از حالا غلام تو میشم ای سفید پوست جنگی .
بگو همدست تو کجا است
او نزدیکی جنگل منتظره زیر درخت با او باب .
بسیار خوب . آنجا میرم .
باشه بحسابش میرسم
مواظب باشیم با نشانیهائی که میداد همین درخته .
دستها بالا .
هیچکس اینجا نیست ، خیلی عجیبه شاید جادوگر سر من کلاه گذاشته
چه باید کرد؟ بمهمانجا برگردیم .
علتش را نمیدانم اما خیالم راحت نیست .
بیا سگ ملوسم نزدیک شو.
تن تن ، آنجا چه خبر بود؟ تن تن جواب بده چه خبره؟
اینم مال تو.
اول دست و پای این یکی را به بندیم .
حالا بدیگری برسم .
اینو سر به نیست کنم بعد خدمت سگ میرسم اگه درندگان او را نخورده باشند .

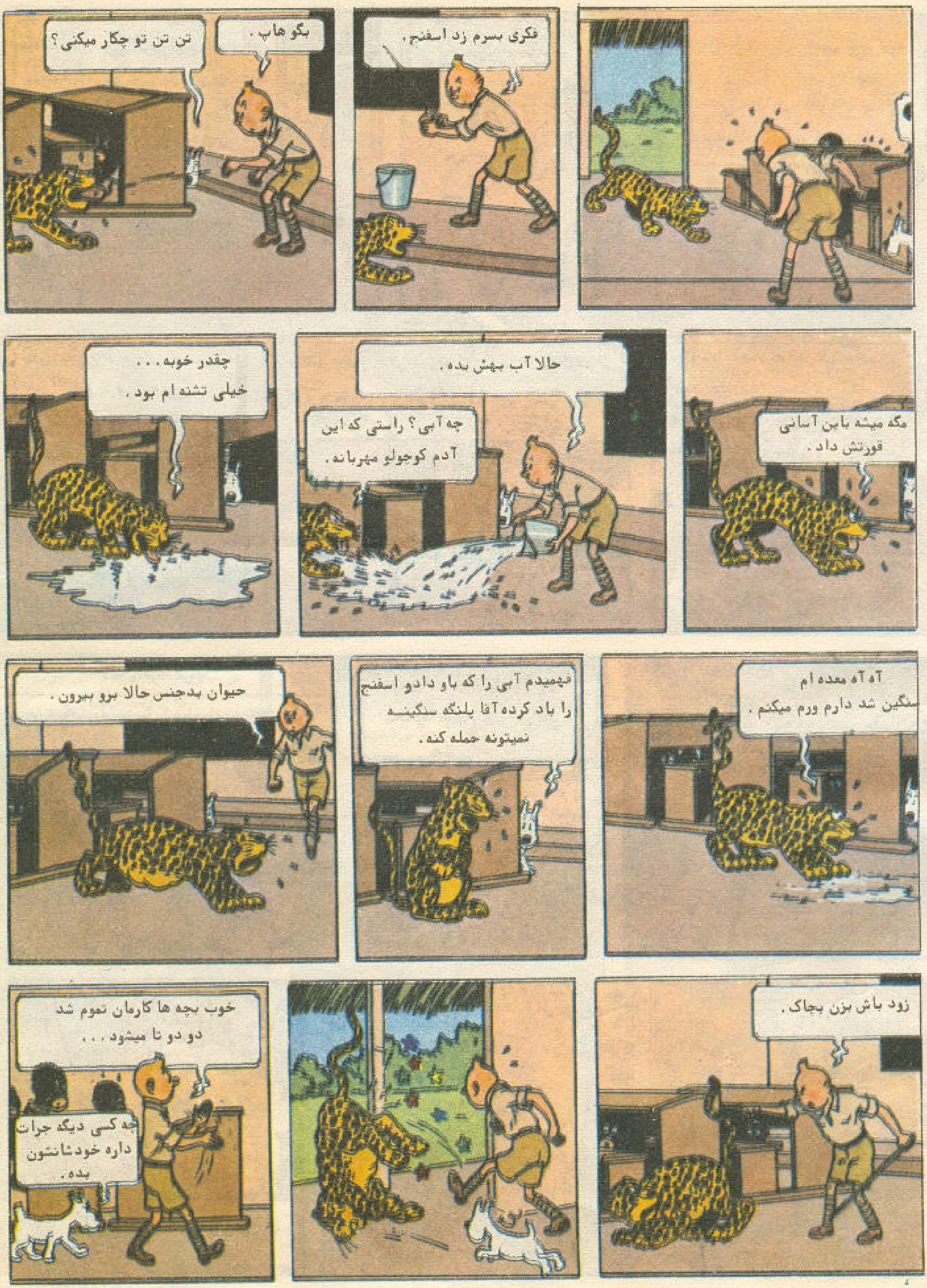


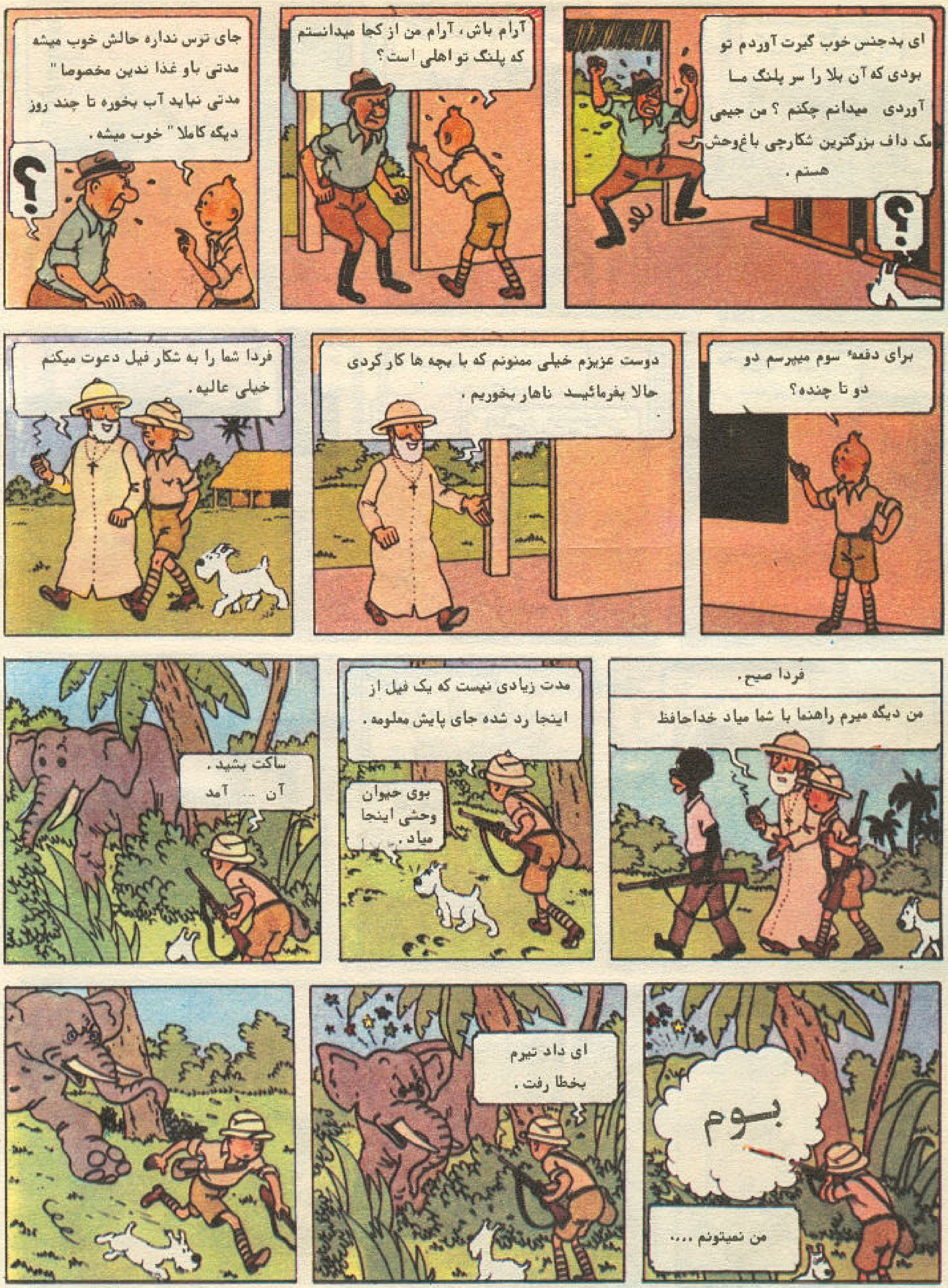
 www.IrPDF.com www.IrPDF.com

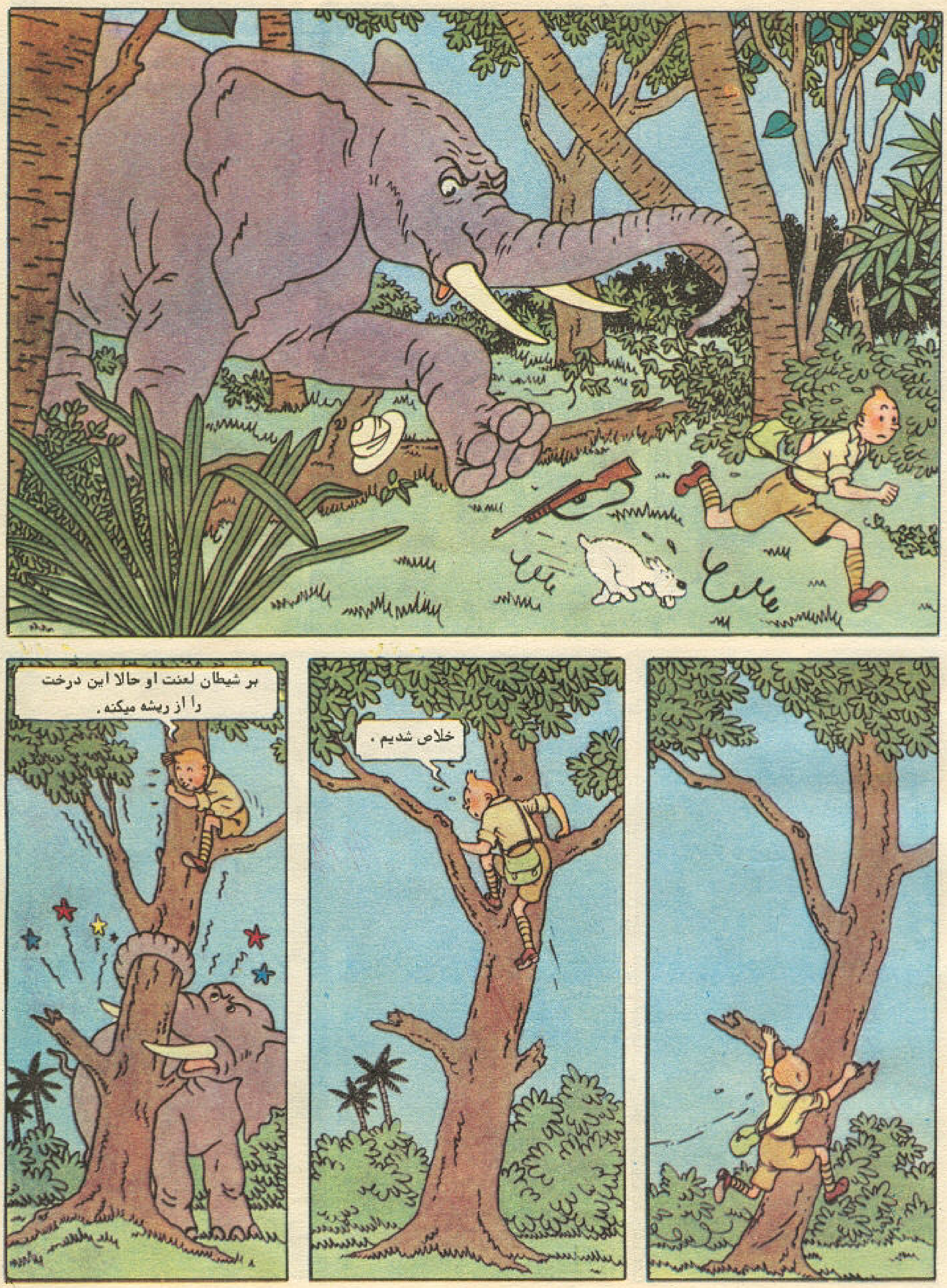

اشتباه نمیکنم ، شما تن تن هستید ؟ چه بسرت آمده ؟
بهت میگم چی شده اول مرا از اینجا پائین بیار .
بسیار خوب تن تن .
پدر روحانی تفنگتون را بده .. میلو در خطره ؟
بشرط اینکه دیر نشده باشه .
دزد آدم‌کش مرا تنهائی بدست وحشیها داد .
بر شیطون لعنت یک مار سوا .
بدادم برسید کمک
واه واه .
جرات داشته باش میلو خودت را نگه‌دار رسیدم
خدایا دیر شده دیر شده ؟
میلوی بیچاره .
وضعم خوب نیست باید کمی نمک میوه بخورم .
؟
خدایا چه می‌بینم ؟ پاهای میلو را به بین
؟
اینکه خیلی عجیبه تا حال نمیدونستم که دست و پا هم دارم .

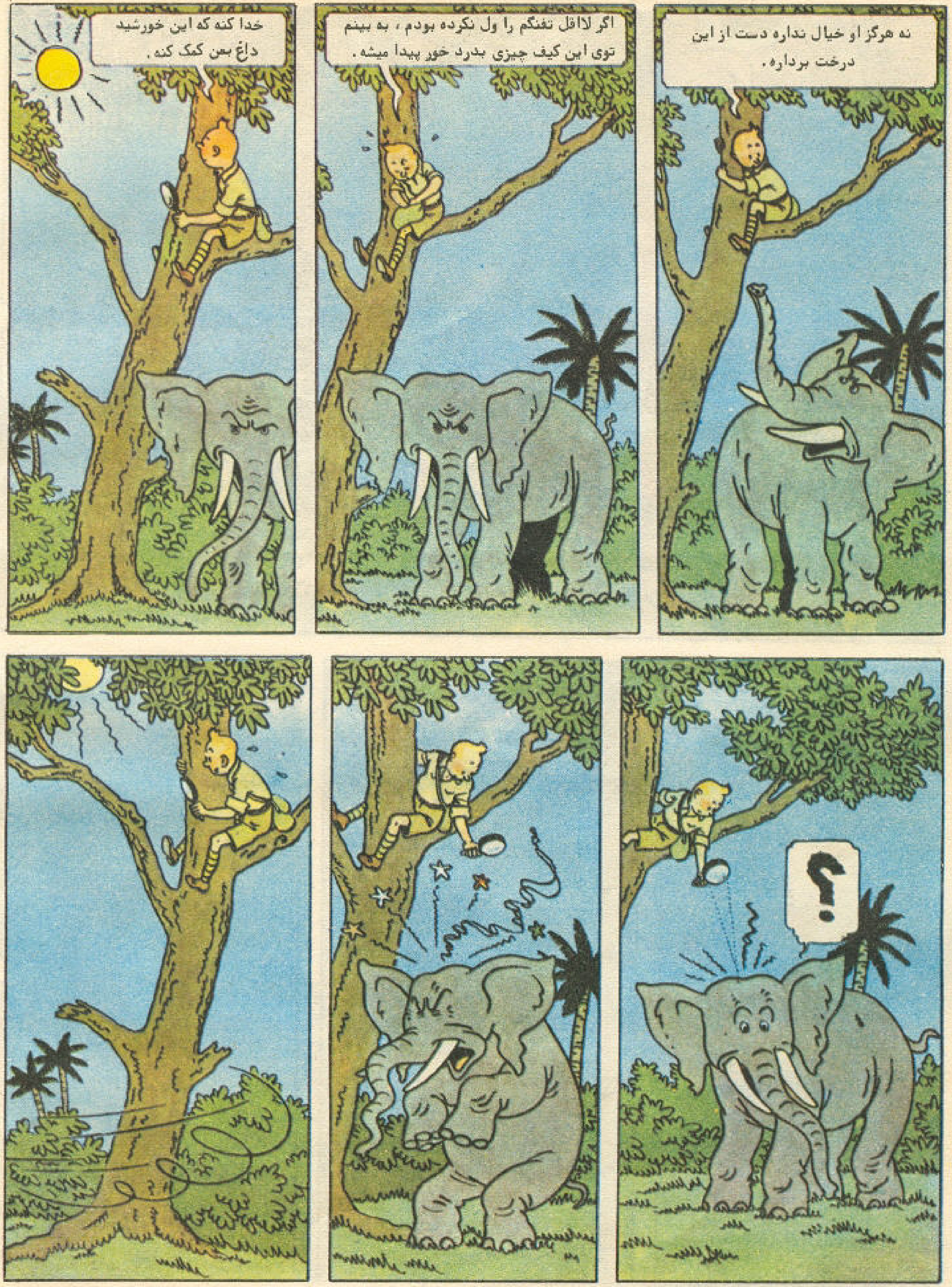

میلو بیحرکت منم تن تن هستم
!
دوست شجاعم منو به بین که خیال میکردم سراپا خوردتت .
بیحرکت بمان لعنتی
تو گرسنه ای ؟ چیزی میخوای بخوری؟
تن تن تو آونجا چکار میکنی؟
اگه اشتها داری بخور.
حالا راه بیفتیم بریم پدر روحانی منتظر ماست .
؟
واو عالا لی لی دوستت دارم جیلی...


بالاخره به آخر ماموریت رسیدیم .
اینجا بیمارستانه و آنجا دست راستی مزرعه و مدرسه است .
اینجا هم کلاس درسه و اونجا در وسط معبد ما است وقتی یکسال پیش اینجا اومدیم همه جا را خار و خاشاک گرفته بود.
چه پدر روحانی خوبی .
پدر روحانی . پدر سباستیان مریضه نتونست بما درس حساب بده .
خیلی متاسفم بایستی به بیمارستان برای ویزیت برم پدرهای دیگر اینجا نیستند چه میشود کرد؟
پدر روحانی اگر اجازه بدید میتونم به بچه ها درس بدم .
شما؟ چرا نتوانید خیلی از شما ممنون میشم .
تن تن معلم
تن تن همان خبرنگار معروف؟
بچه ها تن تن همینه
دوست عزیزم اینهم تن تن خبرنگار معروف
من یقین دارم که آنها بچه های خوبی هستند
دوستان عزیز تن تن خبرنگار معروف را معرفی میکنم او در غیبت پدر سباستیان بشما درس حساب بده .
تن تن دو تا از اینها خیلی بر حرفه .
اگر مایل باشید اول عمل جمع را درس میدم کی میتونه بگه دودو تـا چند میشه؟ هیچکس نمیدونه‌بگه دو بعلاوه دو چند میشه بلی دو باضافه دو .
به بینم کی میتونه جواب درست بده دو دو تا میشود! یک بوزبلنگ


فکری بسرم زد اسفنج.
بگو هاپ.
تن تن تو چکار میکنی؟
مگه میشه باین آسانی قورتش داد.
حالا آب بهش بده.
چه آبی؟ راستی که این آدم کوچولو مهربانه.
چقدر خوبه...
خیلی تشنه ام بود.
آه آه معده ام سنگین شد دارم ورم میکنم.
فهمیدم آبی را که باو دادو اسفنج را باد کرده آقا پلنگه سنگینه نمیتونه حمله کنه.
حیوان بدجنس حالا برو بیرون.
زود باش بزن بچاک.
خوب بچه ها کارمان تموم شد دو دو تا میشود...
چه کسی دیگه جرات داره خودشانشون بده.


ای بدجنس خوب گیرت آوردم تو بودی که آن بلا را سر پلنگ ما آوردی میدانم چکنم ؟ من جیمی مک داف بزرگترین شکارچی باغوحش هستم .
؟
آرام باش، آرام من از کجا میدانستم که پلنگ تو اهلی است ؟
جای ترس نداره حالش خوب میشه مدتی باو غذا ندین مخصوصا " مدتی نباید آب بخوره تا چند روز دیگه کاملا " خوب میشه .
؟
برای دفعهء سوم میپرسم دو دو تا چنده؟
دوست عزیزم خیلی ممنونم که با بچه ها کار کردی حالا بفرمائید ناهار بخوریم .
فردا شما را به شکار فیل دعوت میکنم
خیلی عالیه .
فردا صبح.
من دیگه میرم راهنما با شما میاد خداحافظ
مدت زیادی نیست که یک فیل از اینجا رد شده جای پایش معلومه .
بوی حیوان وحشی اینجا میاد.
ساکت بشید . آن ... آمد
بوم
من نمیتونم ....
ای داد تیرم بخطا رفت .


بر شیطان لعنت او حالا این درخت
را از ریشه میکنه .
خلاص شدیم .

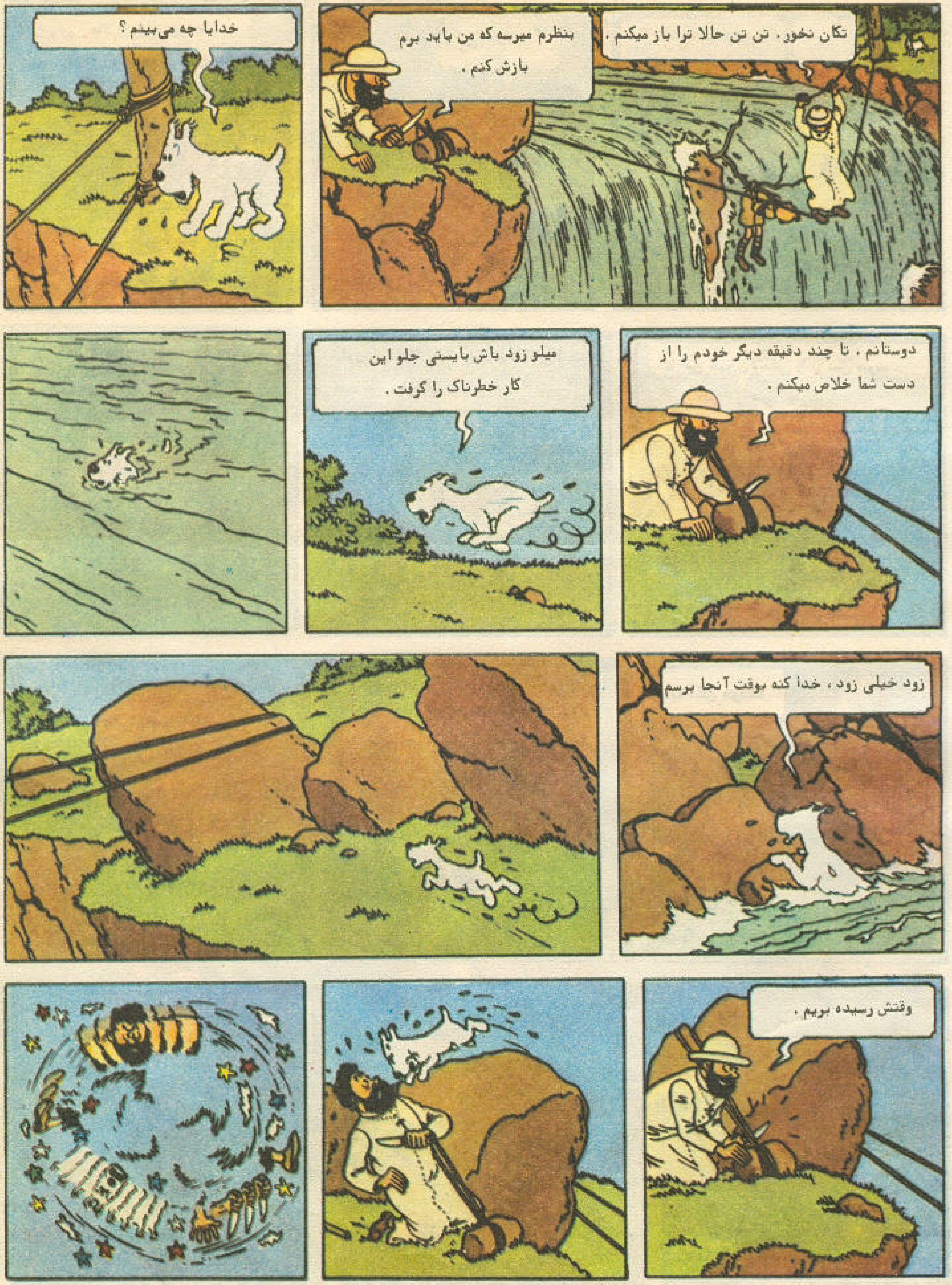

نه هرگز او خیال نداره دست از این
درخت برداره.
اگر لااقل تفنگم را ول نکرده بودم ، به بینم
توی این کیف چیزی بدرد خور پیدا میشه.
خدا کنه که این خورشید
داغ بمن کمک کنه.
؟


ایندفعه تیر بهش خورد خون داره ازش
میاد زود دنبالش کنیم .
بنگ
ساعتها است که ما او را تعقیب میکنیم
و حتی نتونستیم سر خرطومش
را به ببنیم هیچی ما بیخودی میریم .
دیگه بکلی خسته شدیم بریم یکساعت
استراحت کنیم .
چه شکاری؟ دیگه نفس
برایم باقی نماند؟
؟
بنگ
؟
این صدای عجیب از کجا بود؟ مثل اینکه
بروف .
خدایا این میمونه بود
که تیر خالی کرد .
؟


فیل گنده مرد؟
چند ساعت بعد.
راستش اگر تعریف کنم که فیلی را کشتم
در همین حال در کلیسای مذهبی.
تن تن جانش را از دست سوسماره خلاص کرد اما این نمیتونه از دستم در بره.
تبریک میگم بتو دوست عزیزم چقدر از دیدار تو خوشحالم داشتیم از طرف تو نگران میشدیم.
نگاه کن یک پدر دیگر.
چطوره میان بر بزنیم؟
با کمال میل اعتراف میکنم که از خستگی دارم میفتم.
راسته شما خیلی خسته اید تفنگتان را بمن بدید خودم آنرا میارم.
تن تن اگر بجای تو بودم باور نمیکردم.
اکنون دوست عزیزم دستها بالا.
آه خدایا چه می‌بینم؟
چی شده؟
بگیر که حقه باز اومد.
او را میشناسم این همان مسافر قاچاقی است.
از حال رفت باید حالا این بدجنس را بگردیم.


هان چی شده؟ دستوراتی درباره‌
تن تن خبرنگار ؟این دیگه‌چه،
معنا داره؟
نفهمیدم
کمی صبر کن به بینم.
دوست کوچولوی من دیگه نمیخواد
زیاد کنجکاوی کنی.
محکم دست و پایش را طناب پیچ کنم.
و زود راه بیفتیم.
آقای خبرنگار رسیدیم.
طنابها را بازنکنی.
سفر بخیر آقای خبرنگار.
این جنایتکار دست بسته مرا توی رودخانه
رهاکرد.
این چه صدای غرشی است مثل اینکه
چه وحشتی.


خلاص شد م . اما تا کی؟ خدا کنه که این شاخه مرا نگاه داره .
؟
در این مدت
زود زود خودمو به نمازخانه بایستی بهر ترتیب شده تن تن را نجات
چی؟ چه خبر شده؟ میلو ،تو اینجا تنهائی؟ بعد چه . وای اگه چیزی باشه؟
اواه ــ اواه .
چه اتفاقی افتاده
خدا کنه توی رودخانه غرق نشده باشه جریان آب او را بگودال میاندازه .
خدای من اونهاش ، ما چطوری نجاتش بدیم .
فقط یککار میشه . کرد باید دو طناب توی رودخانه بینداز یم با این حقه شاید او را نجات بدیم .
تن تن با جرات باش .


تکان نخور. تن تن حالا ترا باز میکنم.
بنظرم میرسه که من باید برم بازش کنم.
خدایا چه می‌بینم؟
دوستانم، تا چند دقیقه دیگر خودم را از دست شما خلاص میکنم.
میلو زود باش بایستی جلو این کار خطرناک را گرفت.
زود خیلی زود، خدا کنه بوقت آنجا برسم
وقتش رسیده بریم.


حالا از خطر جستید .
ممنونم که دوباره منو نجات دادید .
اوه ــ اوه .
اوه آنجا یکی داره فرار میکنه .
خودشه ، اونکه حمله کرد زود بدنبالش بریم
این دفعه دیگه از چنگ من در نمیره .
میلوی شجاع اگر تو نبودی ما کلکمان کنده شده بود تو خیلی زرنگی
بله دیگه
تا این حیوان وحشی را از بین نبریم . راحتی نداریم .
ما همه موافقیم .
حتما" باید بدانم توی اون نامه ای که این حقه‌باز ــ داره چی‌نوشته؟
رد پاش کاملا" تازه است .
بدجنس باز از دستم در رفت ولی این بار تمام اهل قبیله را تحریک میکنم .
نگاه کن خودشه .
اوه ــ اوه
ای داد او بدنبالم بود باشه مثل سگ او را میکشم .
اوه ــ
بنگ
بنگ
بنگ


تبنگ
تق
ترق
تـرق
ای داد دیگه فشنگ ندارم. تمام شد
این لعنتی را بگیر.
مواظب باش.
تن تن تو کجا میری؟
خدایا نزدیکه که روی این سنگها
بدنم خورد بشه.


؟
؟
خدا رحمتش کند .
قلپ
هاف . . . هاف
صدای میلو میاد
اون بالا چه خبره؟
مگر اینکه . . . .
میلو ناپدید شده .
اونجا ــ رد پای کسی است فهمیدم آنها دوست
مرا ربوده اند .
خوشبختانه جای پاها تازه است و
دنبال کردنش آسانه .
اوه آنجا کسی را می‌بینم که بی شباهت
به میلو نیست .
مواظب باشم یواشکی
نزدیک بشم .


اما او یک مرد جنگی نیست ، یک بچه است .
بچه جان به بینم تو تصادفا " سگ مرا ندیدی؟
عجب این بچه نیست یکی از قبایل پیگمه ها است .
آهای درنری من کاری با تو ندارم .
مگه ممکنه این دیونه را گرفت ؟
آه خدایا چه سر و صدائی است؟ صدای طبل جنگ
بوم بوم
عجب تمام اهل قبیله دنبالمان کرده اند .
چرا دارم فرار میکنم ؟ تن تن کمی حرات داشته باش به اینهانشان بده که بی غیرت نیستی .

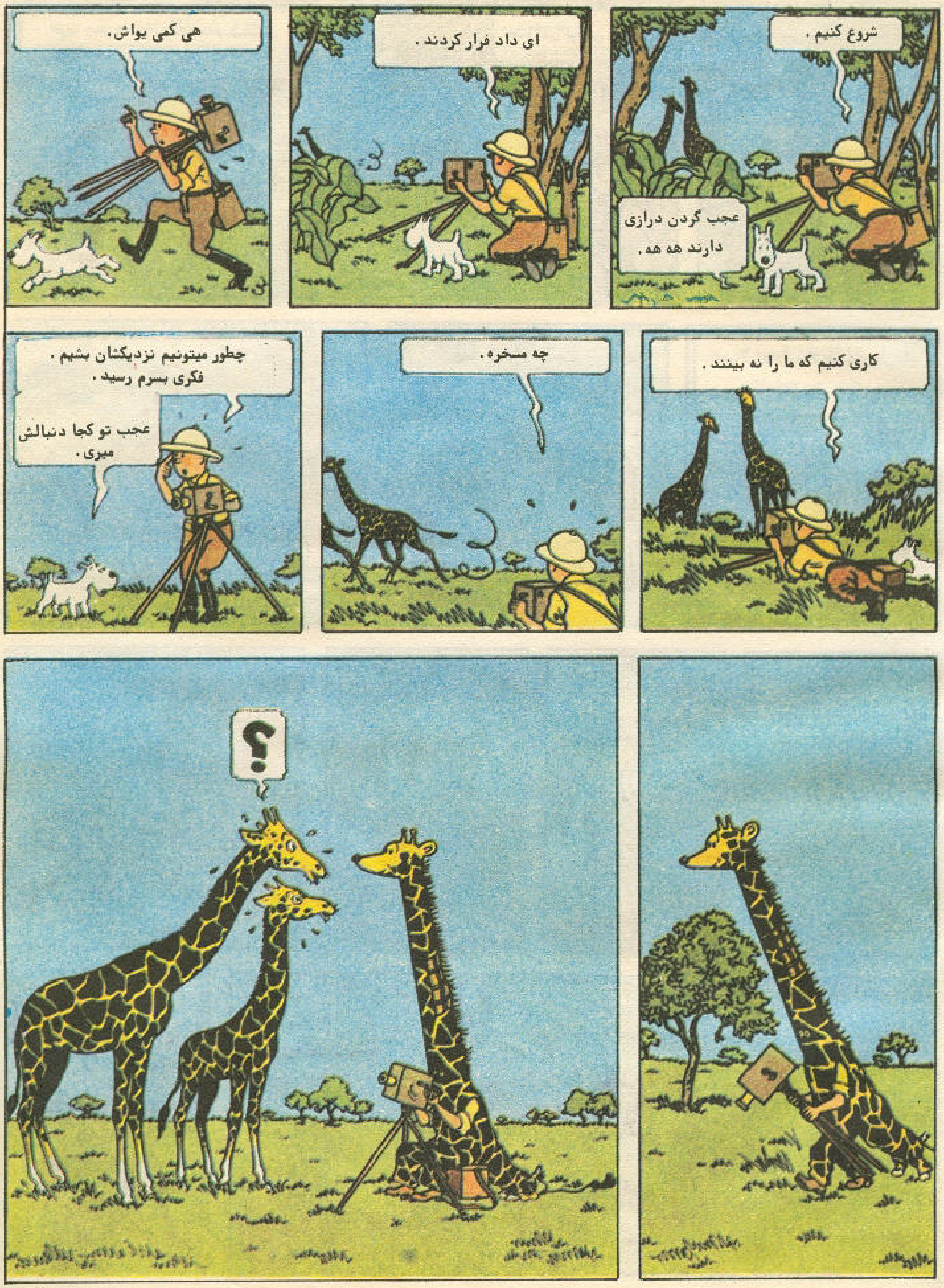

سلام تن تن .
به نزد ما خوش‌آمدی .
؟
شما ؟ شما مرا از کجا می‌شناسین ؟
البته همه قبیله ترا میشناسند ؟
تو باید با ما بیائی چیزی هست که تعجب میکنی .
چیز عجیبی ؟
نیگاه کن
؟
ای بندهٔ خدا نزدیک شو .
ما یک سگ کوچولی را در لب پرتگاه پیدا کردیم او را با خودمان آوردیم .
سلام بر تو ای آقا .
بسیار خوب کجا میری؟
عجیبه نامه آن جنایتکار زنده باد میلو .
اینا به بینم .
دستوراتی دربارهٔ تن تن او را طوری از بین ببرید که مرگ اوتصادفی باشه بعد از موفقیت در ۳۱ مارس خود را به نخلستان کالابلو برسانید در ساعت ۱۲ و منتظر دستورات بعدی باشید .
(۱ ـ ک)
این چه معنی داره و این آقای ۱ ـ ک؟ کیه از کی بپرسیم؟
همین را از خودم میپرسم

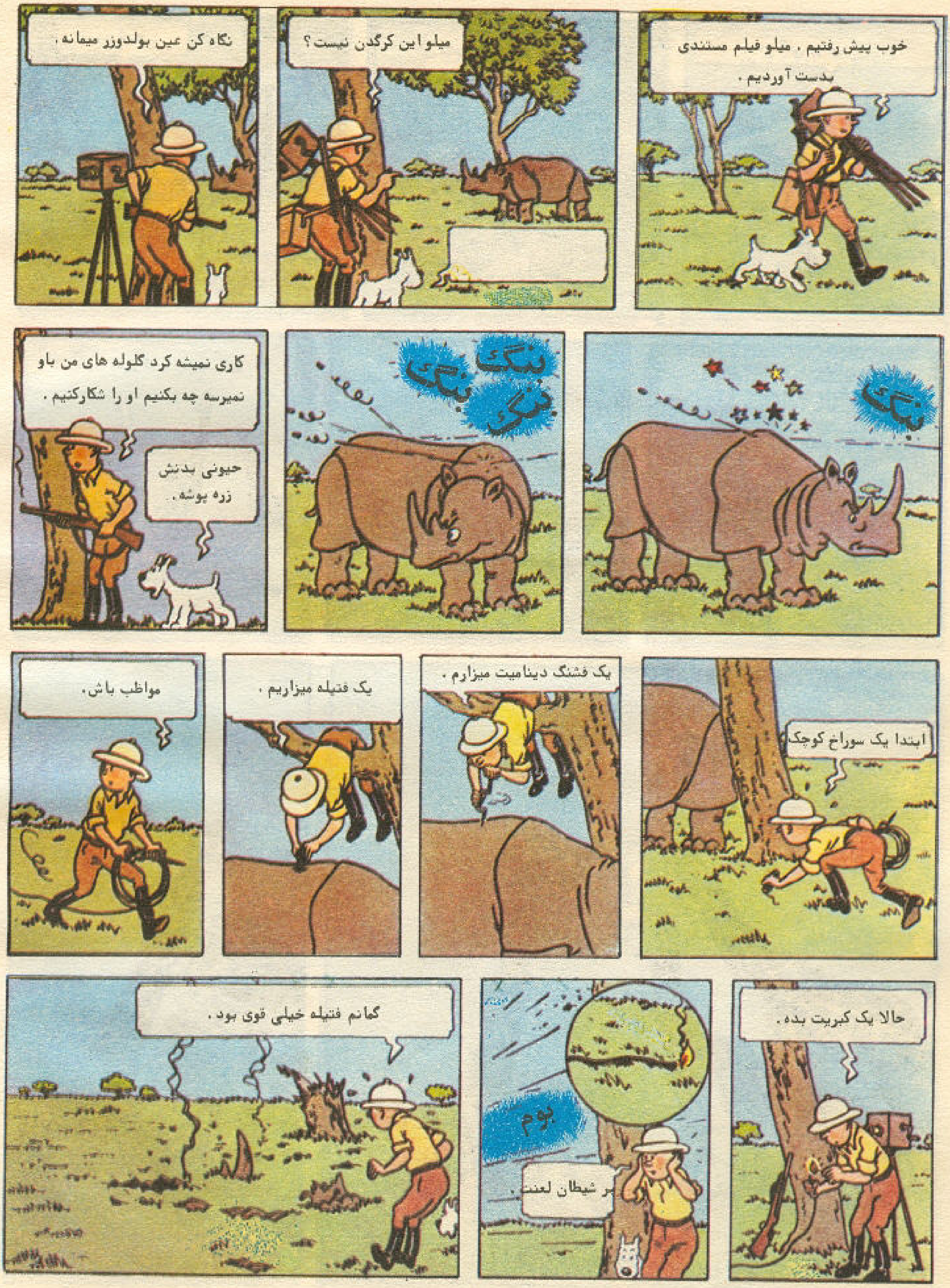

خیلی ساده است . میلو ، گوش بده تا بگویم چکار باید بکنیم .
خیلی عالی است
۳۱ مارس در کالابلو.
مواظب باشید ، حضرت آقا آمد .
سلام آقای توم ازتن تن . چه خبر
تن تن ؟ او رفته اون دنیا .
توم کارت عالی بود بجان خودم قسم هیچی را رئیس فراموش‌نمیکنه بوسیله تو ما خوب میتوانیم بدانیم قضیه از چه قراره؟
؟
خیلی عالی است ما فورا" باید به آن تلگراف کنیم و این خبر را بدیم .
سعی کنیم این تفنگ را بدست بیاوریم .
ولی اول به‌من بگو چطوری از دست این مرد جنایتکار خلاص شدی؟
اوه چه بگم ؟
حالا تعریف میکنم من خودم را بجای یکی از دوستانش جا زدم او تفنگش را کنار درخت گذاشته بود . وقتی پشتش را بما کرده بودفرصت را غنیمت دانستم و تفنگش را ربودم .
خوب بعد . . .
لوله اش را گرفتم و نزدیک شدم .
و بعد چه شد ؟
بعد از آن کار را تموم کردم .
حالا باید از این حقه باز بپرسیم .
با همین کار میتوانیم او را بهوش بیاریم .
شتلق
تن تن !!
او خودشه که می‌بینی بد حقه ای نبود و حالا بمن بگو رئیس شما کیست ؟

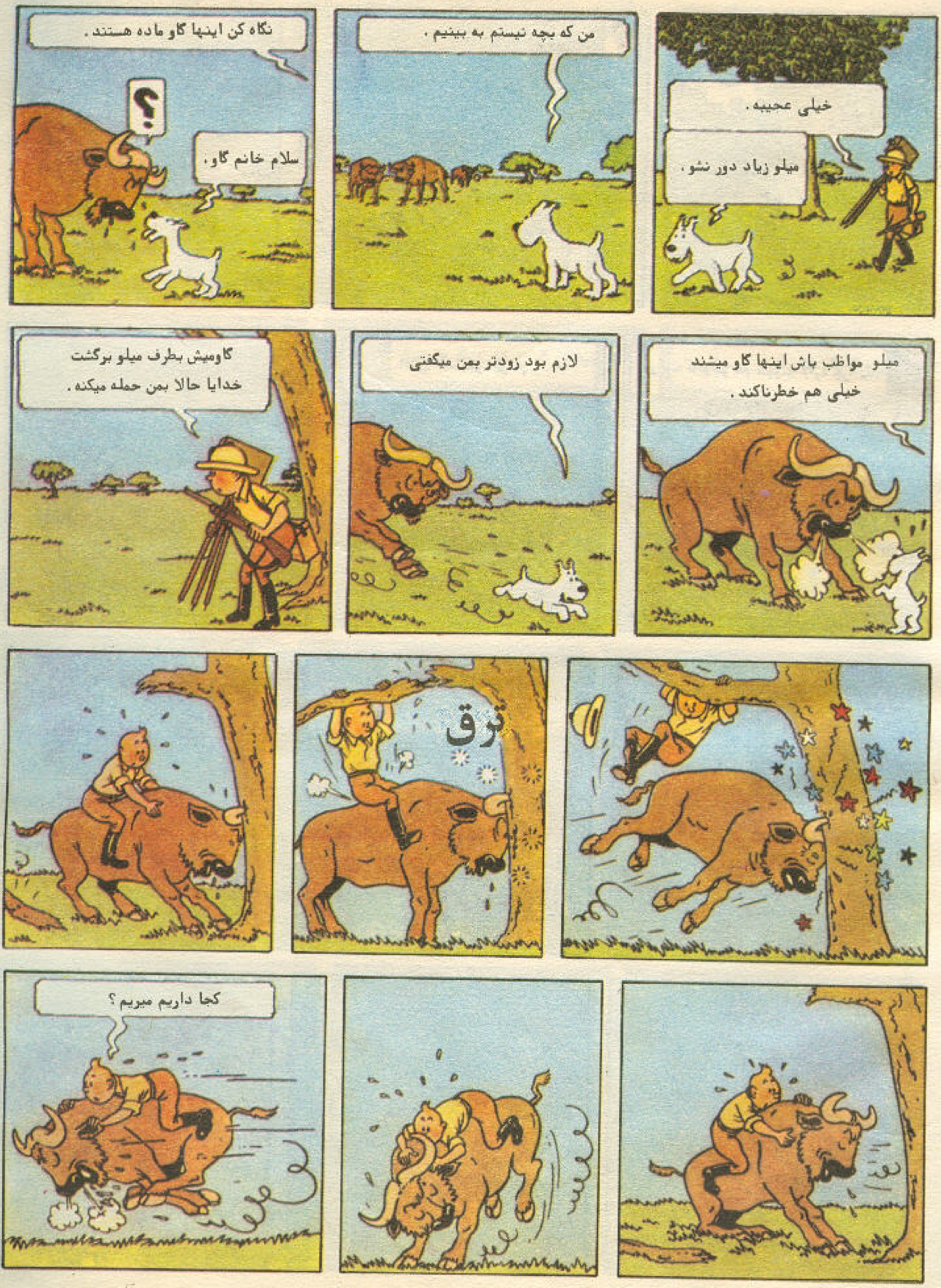

الکاپون سلطان دزدای شیکاگو تصمیم گرفته که برای جمع کردن ثروت الماسها افریقا را تصاحب کنه . وقتی شنید که تو به افریقا میائی تصورکرد که تو از کار او خبرداری تصمیم گرفت ترا از بین ببره یکی را به دنبالت فرستاد که ترا بکشند ما هم اینجا مردم بومی را میترساندیم .
با مزداتون آنها کجا هستند ؟
قرار بود در یک کلبه متروک نزدیک کالا بلو جمع بشیم .
خب حالا بریم پست پلیس راست راه بیفت .
؟
تن تن شما اینجا کجا ؟
فرمانده ،
یک زندانی برای تو آوردم .
بسیار خوب این زندانی را ببرید مواظب باشید فرار نکنه .
من اینطوری به نقشه شان پی بردم اگر بخواهید همین امشب بقیه باند را دستگیر میکنیم . بسیار خوب .
وقتی شب فرا رسید .
اینا هستند پس کارها رو براهه .
مواظب باش ممکنه ترا به بینند .
جیبون برنگشته برای او ناراحتنباش بزودی خواهد اما بما بگوید که آن خبرنگار لعنتی را کشته اند .


یعنی کلکش را کنده و زیر خاکش کردند
بنظرم این حادثه خیلی طبیعی نیست .
بنگ
بنگ
بنگ
بنگ بنگ
?
بد نیست سفیدها باید همه‌شان بزندان برند .
چند روز بعد .
اخبار آفریقا
Un jeune reporter fai
یک حادثه جدید . تن تن خبرنگار از یک توطئهٔ بزرگ پرده برداشت
UNE MYSTERIEUSE AFFAIRE...
LE REPORTER TINTIN DEMAS
UNE BANDE DE GA
اخبار اروپا
AFRIQUE VA-T-ELLE DEVENIR LA
DE CHICAGO
echoue
میلوی عزیز هشت روز است که ما در اینجا پرسه میزنیم من خسته شده ام و فردا صبح از اینجا خواهیم رفت .
چرا؟
فردا صبح.
?


دوباره چه شده؟
چه کشور عجیبی؟
بر شیطان لعنت یک پلنگ
شاید این پلنگ اهلی باشه پلنگ قشنگی است اما نه حالت مخصوصی داره اگر یک اسلحه داشتم خوب بود.
شاید از این سیفون بشه استفاده کرد در هر حال امتحان کنیم.
خش خش
مثل اینکه زیاد از این خوشش نمیآد آب گاز داره
چه اسلحه دیگری میتونم پیدا کنم؟ آخ یک آئینه نباید بد باشه.
!!!!
چه جانور خطرناکی؟
نگاش کن.
تنهائی دست بکار بشیم زیرا راهنما ها رفته اند.
زرافه ها را نگاه کن از آنها فیلمی برداریم.


شروع کنیم .
عجب گردن درازی دارند هه هه.
ای داد فرار کردند .
هی کمی یواش.
کاری کنیم که ما را نه بینند .
چه مسخره.
چطور میتونیم نزدیکشان بشیم . فکری بسرم رسید .
عجب تو کجا دنبالش میری .
؟


خوب پیش رفتیم . میلو فیلم مستندی بدست آوردیم .
میلو این کرگدن نیست ؟
نگاه کن عین بولدوزر میمانه .
بنگ
بنگ
بنگ
کاری نمیشه کرد گلوله های من باو نمیرسه چه بکنیم او را شکارکنیم .
حیونی بدنش زره پوشه .
ابتدا یک سوراخ کوچک
یک فشنگ دینامیت میزارم .
یک فتیله میزاریم .
مواظب باش.
حالا یک کبریت بده.
بوم
شیطان لعنت .
گمانم فتیله خیلی قوی بود .



خیلی عجیبه .
میلو زیاد دور نشو .
من که بچه نیستم به بینیم .
نگاه کن اینها گاو ماده هستند .
؟
سلام خانم گاو،
میلو مواظب باش اینها گاو میشند خیلی هم خطرناکند .
لازم بود زودتر بمن میگفتی
گاومیش بطرف میلو برگشت خدایا حالا بمن حمله میکنه .
ترق
کجا داریم میریم ؟

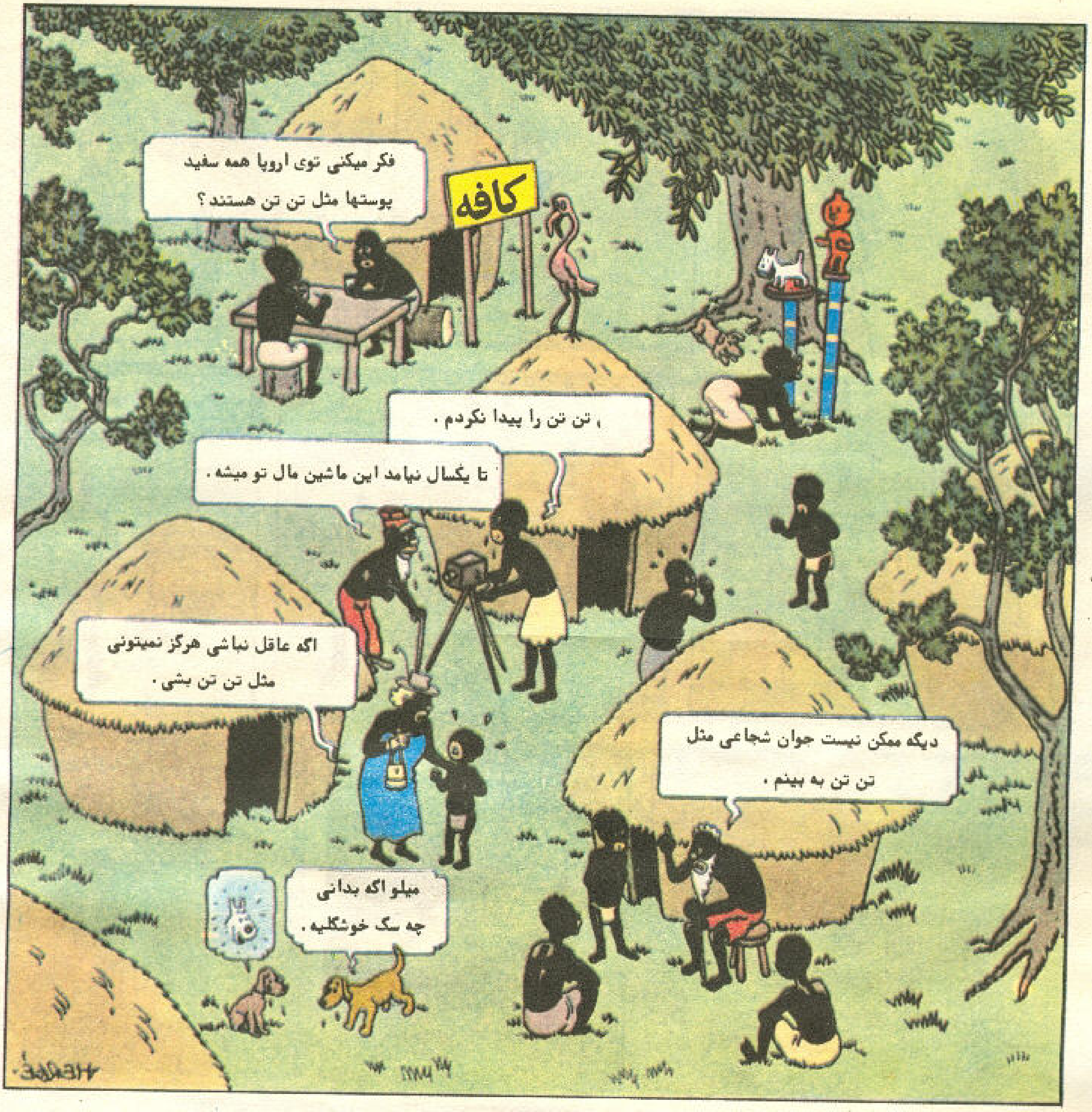

؟
تن تن خودترا خوب نگاهدار
تو خدمت بزرگی بمن کردی
الان حسابتو میرسم . . .
شهرت تو در خطر است .
درخت کائوچو هم شهرت داره چرا نه.
نگاه کن به بین اینهم درخت است مثل همه درختها اما نه مثل کائوچو
درخت کائوچوک است
شیره درختها بهم رسیده بگذاریم خشک بشه .
آقای گاومیش حالا حاضر باش که اومدم .
نشانه گیری هم درسته.


مواظب باش ک اومد
یک و دو
هوپ.
چطوره که یک عکس از من بیندازی.
مگه نمیدانی که من فتو ژنیک هستم؟
آماده باش یک گاومیش
ممکنه با پنجاه گلوله هم نمیره
کار بجای بد میکشه
خواب نمی‌بینم صدای
یک موتور میاد
آنجا یک دسته گاومیش سفید پوستی
را دنبال کرد اند.
خدایا آنقدر نزدیکه که
صدای نفسشان را میشنوم.
بریم نجاتش بدیم.


اینجا را نگاه کن یک نردبان طنابی .
چه پیش آمدی ؟
از بند نجات یافت .
!
چند قدمی بیشتر با تو فاصله نداشت .
متشکرم ، اما سگم آنجا مانده باید کاری کرد .
هرگز .
با این حال نمیتونم میلو را رها کنم
میلو را ؟
میلو راست گفته بودی . گفتی میلو مگه تو تن تن نیستی ؟
بلی خودم هستم
راستی بیش از یکماه است که ما بدنبال تو هستیم و ماموریت داریم شما را به اروپا برگردانیم
.زود باش دوربزن مسافری که سوار کردیم آقای تن تنه میلو هم سگش پائین مانده باید پیداش کنیم .
اکنون بدنبالش بریم .



نزدیک همین بلندی بود که او را گم کردیم .
اما من چیزی نمی‌بینم .
میلو . . میلو . . . میلو .
میلوی ، عزیزم . نکنه زیردست و پای اون گاوه له شده ای؟
اوا اوه . . . اواه
میلو . . این آقا دنبال ما بود میخواهد ما را به کشورمان برگردانه
خوب جوری داریم بمنزل برمیگردیم .
گمون دارم ماموریت تازه ای بما داده اند گمان دارم خبرنگاری شیکاگو
همه چیز آماده است پس کی راه بیفتیم
افریقا خداحافظ خیلی چیزهای دیگر بایستی میدیدم حالا بطرف اروپا راه بیفتیم به امریکا هم میرویم .


فکر میکنی توی اروپا همه سفید
پوستها مثل تن تن هستند ؟
کافه
، تن تن را پیدا نکردم .
تا یکسال نیامد این ماشین مال تو میشه .
اگه عاقل نباشی هرگز نمیتونی
مثل تن تن بشی .
دیگه ممکن نیست جوان شجاعی مثل
تن تن به بینم .
میلو اگه بدانی
چه سگ خوشگلیه .


پایان


انتشارات اوریانتال منتشر میکند
۱- تن تن در کنگو
۲- سفرهای گالیور
۳- روبنس کروزئه
۴- روبن‌هود قهرمان